

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies

Vol. 17, No. 2, (Serial. 34), Summer 2024

10.30497/qhs.2024.243119.3607

Al-Salat book by Hariz bin Abdullah Sajestani; Possibility, benefits and methods of reconstruction

MohammadHossein Keshvari*

Mahdi Izadi**

Atefe Zarsazan***

Received: 30/05/2023

Accepted: 13/01/2024

Abstract

Hariz bin Abdullah Sajestani, a great and famous narrator of the 2nd century, wrote a book called al-Salat book, which has attracted the attention of other narrators and hadith scholars after him. His book was considered as one of the trusted and reference books for hadith books after that, and the hadiths of that book have been published and spread among hadith books. This book existed at least until the Middle Ages, but despite its great importance, it has been lost and only its hadiths exist in the narrative books of different centuries in the Shia hadith heritage. Due to the possibility of reconstructing the missing texts, it is possible to reconstruct this ancient textual heritage. And since the evaluation of the validity of the hadiths is done according to the criterion of the late Sanadi-Rejali (The science of hadith and Document research) review, and this criterion for evaluating the validity of the hadiths was different from the ancient criterion for the validation of the hadiths, which was base of that, the source and origin of the relevant narration and the available evidence. Therefore, the presence or absence of the origin and source of the investigated narrative is important. And in case of existence or reconstruction and revival of that writings, in order to measure the validity of the hadith, in addition to paying attention to the modern criteria, we can refer to the criteria of the past. And it is possible to evaluate the hadiths according to the evidence, including the authentic source of the work. And in the case of al-Salat book, more credibility was given to those hadiths. This article deals with the possibility, benefits and method of restoring this missing hadith book.

Keywords: *Reconstruction of the book of hadith, Hariz bin Abdullah Sajestani, al-Salat book, science of hadith.*

* Ph. D. student in Quran and Hadith Studies, Islamic Mazaheb University, Tehran, Iran.
(Responsible Author) Keshvari@isu.ac.ir

** Professor of Quran and Hadith Studies, Imam Sadeq University, Tehran, Iran.

Izadi@isu.ac.ir

*** Assistant Professor of Quran and Hadith Studies, Islamic Mazaheb University, Tehran, Iran.
A.Zarsazan@mazaheb.ac.ir



http://qhs.isu.ac.ir

دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۷، شماره ۲، پیاپی ۳۴

بهار و تابستان ۱۴۰۳، صص ۲۷۵-۲۳۵

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2024.243119.3607

کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی امکان، فایده و روش بازسازی

محمدحسین کشوری* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

مهدی ایزدی** مقاله برای اصلاح به مدت ۲۸ روز نزد نویسندگان بوده است.

عاطفه زرسازان خراسانی***

چکیده

حریر بن عبدالله سجستانی راوی بزرگ و مشهور قرن دوم کتابی به نام کتاب الصلاة نگاشته است که مورد توجه سایر روایت و محدثان پس از خود قرار گرفته است. کتاب او از کتب مورد اعتماد و مرجع برای کتب حدیثی بعد از آن به شمار می‌رفته و احادیث آن کتاب در میان کتب حدیثی نشر و رواج یافته است. این کتاب حداقل تا قرون میانی موجود بوده است لکن با وجود اهمیت فراوان از میان رفته و تنها احادیث آن در کتب روایی قرون مختلف در میراث حدیثی شیعه وجود دارد. با توجه به امکان بازسازی متون مفقود، امکان بازسازی این میراث متنی کهن وجود دارد و از آنجا که سنجش اعتبار روایات با توجه به ملاک بررسی سندی-رجالی متأخر صورت می‌گیرد و این ملاک سنجش اعتبار روایات، متفاوت با ملاک قدما برای اعتبار سنجی روایات بوده که اساس آن، منبع و مصدر روایت مربوطه و قرائن موجود بوده است؛ لذا وجود و یا عدم اصل و منبع روایت مورد بررسی، حائز اهمیت است و در صورت وجود یا بازسازی و احیاء آن اثر می‌توان برای سنجش اعتبار حدیث علاوه بر توجه به ملاک امروزی به ملاک قدما مراجعه کرد و با توجه به قرائن از جمله منبع معتبر اثر، احادیث را مورد ارزیابی قرار داد و در مورد کتاب الصلاة، اعتبار بیش از پیش برای آن احادیث قائل شد. این اثر به امکان، فواید و روش بازسازی این کتاب مفقود حدیثی می‌پردازد.

واژگان کلیدی

بازسازی کتاب حدیث، حریر بن عبدالله سجستانی، کتاب الصلاة، علوم حدیث.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Keshvari@isu.ac.ir

** استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. Izadi@isu.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران. A.Zarsazan@mazaheb.ac.ir

مقاله مستخرج از رساله دکتری است.



طرح مسئله

آنچه امروزه در کتب حدیثی مشاهده می‌کنیم این است که کتب روایی از احادیث مختلف تشکیل شده که بنا بر نظر مصنف کتاب از مصدر اصلی جدا، تقطیع و به صورت باب بندی شده ارائه گشته است. این جداسازی، تقطیع و تبویب هر چند در جای خود کارایی داشته و دارد اما گاهی نیز موجب خسارت به میراث گرانبهای روایی شده است زیرا متن اصلی از دست رفته است در صورتی که در بسیاری از موارد وجود متن اصلی خود اهمیت بسزایی دارد، خصوصاً با در نظر گرفتن این نکته که ارزیابی حدیث در دوره متأخر متفاوت از آنچه که در دوره قدما جریان داشته است صورت گرفته و می‌گیرد (نک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۳۰۲).

بازسازی متون مفقود یکی از دغدغه‌های پژوهشگرانی است که به این نکته توجه داشته و در جهت آن اقدام نموده‌اند. در این میان بازسازی کتب نخستین احادیث فقهی حایز اهمیت است زیرا هم احادیث آن منشأ صدور فتوا در اعصار گذشته تا کنون بوده و هم از جهت نفس علوم حدیث، مورد توجه می‌باشد.

کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی محدث و فقیه شیعی قرن دوم هجری از این قبیل است. تلاش در جهت بازسازی این کتاب علاوه بر اینکه اصل کتاب را در جرگه کتب احادیث برمی‌گرداند باعث اعتبار بیشتر یافتن احادیثی است که از این کتاب در خلال کتب روایی دیگر بازنشر یافته اما چون به بودن آن در اصل کتاب الصلاة بی‌توجهی شده آنچنان مورد اعتنا قرار نگرفته و جایگاه حقیقی خود را پیدا نکرده است. چه اینکه کتاب الصلاة از کتب مشهور و مورد اعتماد قدمای از محدثان بوده (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳) و مورد اعتماد اصحاب ائمه علیهم السلام همچون حماد بن عیسی نیز می‌باشد (نک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۱۱) و اعتباری بس والا داشته است.

بازسازی کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی با عنایت به اینکه از اصول اولیه حدیثی است و بازسازی آن کمک به احیای این اصول می‌باشد بسیار قابل توجه است.

در این مقاله با اشاره به پیشینه پژوهش در مورد بازسازی متون حدیثی مفقود، ضمن پرداختن به مسائل پیرامون کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی از اهمیت، فواید و روش بازسازی این کتاب خواهیم نگاشت که مبنای اثر پژوهشی دیگری است که ما حاصل آن کتاب بازسازی شده کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی خواهد بود.



پیشینه تحقیق

در اهل سنت و در پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام و حتی در بین مستشرقین محققان و اندیشمندانی در پی بدست آوردن منابع قدیمی و بازسازی تراث قرون اولیه بوده‌اند و لذا شاهد نوشته شدن مسانید افراد و جمع‌آوری احادیث صاحبان تالیف و تصنیف بوده‌ایم. نیز به طور دقیق‌تر، هم در اهل سنت و هم در امامیه دغدغه بازسازی و بازگرداندن منابعی دست اولی که از دست رفته است وجود داشته و می‌بینیم پیرامون تألیفات و تصنیفات حدیثی سخن فراوان گفته می‌شود و ارزش و منزلت هر کتاب چقدر مورد توجه است.

در این میان برخی از علمای هر مذهب در پی برگرداندن کتب مفقوده و با ارزش حدیثی و غیر حدیثی از متقدمین و حتی اصحاب بوده‌اند. بازگشت این آثار آنقدر نتایج پرفایده داشته که به غیر از آرزو برای وجود داشتن این کتب توسط برخی از علما، برخی دیگر در این مسیر گام برداشته و به لحاظ نظری و عملی قلم زده‌اند و به نگاشتن مقالات و کتاب پیرامون آن همت گمارده‌اند.

تا به حال کتاب‌های حدیثی و غیر حدیثی که در طول زمان از بین رفته‌اند و بازسازی و بازیابی در مورد آن‌ها صورت پذیرفته و به جرگه میراث مکتوب بازگشته‌اند وجود داشته و مورد استفاده مخاطبان خود قرار گرفته‌اند.

گاه این امر در مورد بخش‌هایی از کتاب که از بین رفته است صورت پذیرفته است برای مثال «تفسیر القرآن العظیم» ابن ابی حاتم رازی که متن کامل آن به چاپ رسیده است در حقیقت از سوره الفاتحه تا الرعد به علاوه از سوره المؤمنون تا العنکبوت بخش به جا مانده از مؤلف بوده است که در مجموع تفسیر ۱۷ جز قرآن کریم می‌شود و تفسیر مربوط به ۱۳ جز دیگر را محقق آن با بازسازی تکمیل کرده و به چاپ رسانده است. (نک: ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱)

از آثاری که سعی در بازسازی آن شده که کل آن در دسترس نبوده و اکنون با بازسازی بخشی از کتاب به جرگه میراث حدیثی شیعه بازگشته است کتاب «مدینه العلم اثر شیخ صدوق می‌باشد که با نام «ما وصل إلینا من کتاب مدینه العلم» به زیور طبع آراسته شده است (نک: ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ص ۸).

همچنین کتاب تفسیری ابوحمزه ثمالی از جمله کتبی است که مفقود بوده و محقق آن عبدالرزاق بن محمد حسین حرزالدین مطالب آن را جمع‌آوری کرده و با نام «تفسیر القرآن الکریم» به چاپ رسانده است. (نک: ابوحمزه ثمالی، ۱۴۲۰ق، ص ۲۶ و ۵۷-۵۹ و ۹۶-۹۹)

کتاب تفسیری منسوب به ابن عباس (فارغ از اینکه مؤلف واقعی آن کیست) به صورت کتاب مدوئی به دست ما نرسیده، بلکه در دل تفسیر بزرگ طبری محفوظ بوده است و امروزه که با نام «تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس» بارها به چاپ رسیده طبق عقیده برخی اثری است که بعضی از محققان از جمله فیروزآبادی صاحب لغتنامه معروف قاموس آن را از میان تفسیر طبری برآورده‌اند و به صورت کتابی منسجم مدون کرده‌اند. (نک: ابن عباس، ۱۴۱۲ق، سراسر کتاب)

کتاب تفسیر القرآن شیخ صدوق با عنوان «تفسیر القرآن الکریم» نیز از آثاری است که محمود کریمی و محسن دیمه کار تلاش کرده‌اند به جرگه کتب روایی بازگردانند.

«کتاب الحج» معاویه ابن عمار الدهنی اثر حدیثی دیگری است که محمد عیسی آل مکباس سعی در بازسازی آن داشته و این کتاب را به همین نام به چاپ رسانده است.

به لحاظ نظری نیز کتاب «بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، تحلیل، نمونه» اثر محمد عمادی حائری از جمله آثاری است که به همین موضوع پرداخته است. در این کتاب که از سه قسمت تشکیل می‌شود ابتدا از تحلیل کتابشناسی حدیث و ارتباط آن با بازسازی متون متقدم سخن به میان می‌آید و سپس در قسمت دوم مصاحبه نگارش یافته و مباحث بیان شده توسط سید احمد مددی موسوی در زمینه تحلیل فهرستی احادیث ذکر شده و در قسمت سوم مجموعه مقالاتی در رابطه با تحلیل کتابشناختی و مسئله بازسازی متون از مجموعه نویسندگان مطرح شده است.

همچنین مقاله «مروری بر مسائل بازسازی متون حدیثی با تاکید بر حدیث شیعه» اثر مشترک محمدکاظم رحمتی و محمد قندهاری که در کتاب «رویکردهای نوین در حدیث پژوهی شیعه» که متشکل از چندین مقاله در زمینه رویکردهای جدید در حدیث پژوهی است به چاپ رسیده و به موضوع بازسازی متون حدیثی پرداخته و از آنجایی که پرداختن به بازسازی متون حدیثی مسأله جدیدی می‌باشد، مقاله مذکور در این کتاب که "رویکردهای نوین در حدیث پژوهی" نام دارد قرار گرفته است.



همچنین مقاله «مبانی و روش‌های بازیابی متون حدیثی کهن در سایه بازیابی کتاب زید بن وهب» اثر مهدی مردانی از دیگر آثار مربوط به این حوزه است.

مقاله «بازیابی روایات کتاب (التفسیر) علی بن ابی حمزه بطائنی» اثر مشترک علی راد، علیرضا حسینی و مرضیه جمالی نیز در این حوزه نگاشته شده است.

مقاله «بازسازی کتاب الحج معاویه بن عمار و ارزیابی طرق روایت آن با تاکید بر احادیث زیارت» اثر مشترک منصور پهلوان، حسن طارمی راد و محمدحسین سهیلی نیز از آثار مرتبط با این حوزه است.

در بین مستشرقین نیز مباحث نظری پیرامون این موضوع در آثار امثال اشپرنگر، هورویتس، فواد سزگین و دیگران وجود دارد و تلاش در جهت بازسازی کتاب المبتداء سیره ابن اسحاق توسط گوردن نیوبای از نمونه‌های عملی بازسازی متون مفقود در این عرصه است.

۱. حریر بن عبدالله سجستانی و کتاب الصلاة وی

حریر راوی، محدث و فقیه شیعی قرن دوم هجری قمری است که از فقیهان برجسته عصر خود می‌باشد. حریر با اینکه کوفی بود اما به دلیل سفرهایش به سیستان به سجستانی شهرت یافت (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۴۴؛ کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۸۴). حریر بن عبدالله سجستانی فردی ثقه و مورد اطمینان می‌باشد (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۲؛ حلی، ۱۳۴۲ش، ص ۱۰۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۶۳؛ همچنین نک: بیات مختاری، ۱۳۹۰ش، سراسر مقاله). عموم روایات وی به نقل از دو فقیه برجسته شیعه در کوفه، یعنی زراره بن اعین و محمد بن مسلم طحان است. یونس بن عبدالرحمان قمی وی را به اعتبار دانش گسترده‌اش در فقه ستوده است (نک: کشی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۶۲۷). کتاب الصلاة او در زمان اهل بیت علیه‌السلام مورد توجه راویان قرار گرفته بود چنانکه حماد بن عیسی در جواب سوالی که امام صادق علیه‌السلام در مورد نماز از او پرسیده بود، به حضرت عرض می‌کند، کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی را حفظ می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۱۱).

کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی یکی از کتب متقدم و مهم حدیثی است و شیخ طوسی آن را از اصول می‌داند (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۲). شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه آن را به عنوان اولین مثال از کتب مشهور مرجع و مورد اعتماد ذکر می‌نماید (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳). روایات آن در عرصه فتوا نیز مستمسک فقیهان قرار گرفته است (برای

نمونه نک: ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۹؛ عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۶۸. این کتاب تا قرون میانی نیز موجود و از کتب معتمد در میان امامیه بوده است (برای نمونه نک: ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۹). به همین دلیل در کتب مختلف از جمله کتب اربعه شیعه نیز برخی روایات کتاب الصلاة حرز بن عبدالله سجستانی نقل شده است.

۲. بازسازی کتاب الصلاة حرز بن عبدالله سجستانی

بازسازی کتاب الصلاة حرز بن عبدالله سجستانی به دلیل توأمان بودن جنبه حدیثی و فقهی این کتاب و همچنین اعتبار این کتاب و مقبول بودن آن نزد محدثان بعدی و نقل بسیار از آن، گزینه مناسبی برای بازسازی یکی از کتب متقدم و منابع اصلی حدیثی است که می‌توان با بازسازی آن و امثال آن (در پژوهش‌های دیگر) احیای ملاک قدما در سنجش اعتبار حدیث و دیگر فواید مترتب بر آن را مشاهده نمود. بازسازی این کتاب می‌تواند الگو و نمونه‌ای برای بازسازی سایر کتب باشد.

این بازسازی با استفاده از تمام میراث حدیثی به جا مانده صورت می‌پذیرد که البته برخی آثار از بقیه شاخص تر می‌باشند. در کتب اهل سنت حدیثی از حرز بدست نیامد اما این نکته وجود دارد که حرز با برخی بزرگان اهل سنت مناظره و گفتگوی مضبوط داشته است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۰۶) اما اهل سنت به عنوان حدیث از وی روایتی نقل نکرده‌اند، چه اینکه حرز از شیعیانی است که دست به شمشیر برده و فتوای جهاد نیز صادر کرده و طبیعی است که نقل حدیث از وی در اهل سنت صورت نپذیرفته باشد.

نجاشی در کتاب رجال خود ذیل اسم حرز اشاره می‌کند حرز دارای کتاب الصلاة بزرگی است و یک کتاب خلاصه‌تر از آن دارد و هم‌چنین دارای کتاب نوادر است. وی ابتدا طریق خود را به کتاب الصلاة کبیر نقل می‌کند سپس طریق خود را به کتاب نوادر نقل می‌کند و سخنی از طریق دیگر به کتاب خلاصه‌تر به میان نمی‌آورد (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۱۴۵).

با توجه به مطلب مذکور سه نکته قابل بیان است:

اولا کتاب الصلاة معروف حرز یک کتاب است که در لسان نجاشی (و نه غیر از او) به عنوان کتاب الصلاة کبیر مطرح شده است و کتاب خلاصه‌تری که او مطرح کرده است قاعدتا نسخه خلاصه‌تر از همان کتاب الصلاة بزرگ و معروف اوست که مسلم است هدف از بازسازی



کتاب الصلاة حریر که مطرح شده است همان کتاب معروف او می‌باشد نه نسخه خلاصه‌تر که نجاشی به آن اشاره می‌کند.

ثانیا بر فرض اگر یک کتاب دو راوی و دو طریق داشته باشد، وقتی هدف بازسازی اصل کتاب است، پرسش از اینکه از طریق کدام راوی اصل کتاب می‌خواهد بازسازی شود منطقی نیست؛ چون هدف بازسازی اصل کتاب است. اینجا نباید بحث بازسازی کتاب با بحث چاپ کتابی که دو نسخه خطی متفاوت دارد خلط شود که در آنجا مطرح است که کدام نسخه خطی در متن اصلی چاپ می‌شود و کدام نسخه جاهایی که متفاوت با متن نسخه دیگر است با رمزنگاری در پاورقی به چاپ می‌رسد. در بحث بازسازی هدف بازسازی اصل اثری است که الان ما بین دفتین وجود خارجی ندارد؛

ثالثا در لسان نجاشی نه تنها دو راوی و دو طریق نسبت به کتاب الصلاة (کبیر) حریر وجود ندارد بلکه دو راوی و دو طریق نسبت به کتاب الصلاة کبیر و خلاصه تر هم وجود ندارد بلکه نجاشی یک بار طریق خود را به کتاب الصلاة (کبیر) حریر ذکر می‌کند و سپس سخن از طریق خود به کتاب نوادر حریر را به میان می‌آورد و سخن دیگری از طریق خود به کتاب الصلاة دیگری ولو خلاصه تر به میان نمی‌آورد.

۳. شبهه وجود کل متن کتاب الصلاة در کتب اربعه و پاسخ آن

برخی مقالات و نگاهته‌هایی در مورد کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی مطلبی را ذکر کرده‌اند که آیه الله خوئی در کتاب معجم رجال الحدیث ذکر کرده‌اند که احادیث کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی در کتب اربعه حدیثی وجود دارد و بنابراین ممکن است تصور شود که بازسازی کتاب الصلاة چه فایده‌ای خواهد داشت؟

در جواب باید بیان داشت که آیه الله خوئی در جایی از معجم الرجال بیان نکرده‌اند که تمام احادیث کتاب الصلاة در کتب اربعه آمده است. این مقالات استدلال یا تحقیق خود در این زمینه را ارائه نکرده بلکه با بهره‌گیری از یکدیگر این مطلب را بیان کرده‌اند که ظاهرا اصل آن به دانشنامه جهان اسلام برمی‌گردد. محمدکاظم رحمتی در دانشنامه جهان اسلام ص ۶۰۵۸ ذیل نام حریر بن عبدالله سجستانی در رابطه با کتاب الصلاة بیان کرده که «تقریباً تمام متن آن در باب الصلاة کتب اربعه باقی مانده است» و برای ارجاع به کتاب معجم الرجال آیه الله خوئی استناد

کرده و از ص ۴۶۷ تا ۴۹۶ آن را به عنوان استناد ذکر کرده است. (رحمتی، ۱۳۹۳ش، ج ۱۳، ذیل حریر)

در این صفحات به هیچ عنوان آیه الله خویی چنین جمله ای بیان نکرده‌اند؛ بلکه این صفحات مربوط به بخش تفصیل طبقات روات است که آیه الله خویی بعد از ذکر هر کدام از راویان از حریر، برای استناد آن، آدرس حدیثی را که همان راوی از حریر نقل کرده است، از کتب اربعه ذکر می‌کند و این بر خلاف زعم محمدکاظم رحمتی بدین معنی نیست که تمام احادیث کتاب الصلاة در کتب اربعه وجود دارد همچنان که خود آیه الله خویی نیز بدان اشاره نکرده است. (نک: خویی، ۱۴۱۳ق، سراسر کتاب)

محل استناد و ارجاع دیگر محمدکاظم رحمتی برای این مطلب کتاب حسین مدرسی طباطبائی به نام میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ج ۱، ص ۲۴۵-۲۴۶ است که با مراجعه به آن نیز به وضوح می‌بینیم که وی نه تنها چنین چیزی نگفته است بلکه به نوعی خلاف آن را نیز بیان کرده است که در ادامه می‌آید: «حریر یک محدث پرکار در نقل روایت بوده و نزدیک به یک هزار و پانصد حدیث از وی، تنها در کتب اربعه حدیث و بسیاری دیگر در سایر کتاب‌ها آمده است» (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۰۶).

آری در قسمتی دیگر از این نوشتار در خصوص کتاب الصلاة آمده است: «ظاهراً تمام محتوای این کتاب در آثار بعدی بر جای مانده» (مدرسی طباطبائی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۰۶). این مطلب نشان نمی‌دهد که منظور از آثار بعدی منحصرأ کتب اربعه است بلکه همانطور که قبل‌تر بیان شد خود مؤلف مذکور بیان کرده که بسیاری دیگر از احادیث آن در سایر کتاب‌ها آمده است.

در ادامه برای مثال مواردی از احادیثی که مرتبط با نماز و منقول از حریر بن عبدالله است و بنابراین در کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی وجود دارد ولی در کتب اربعه نیست، ذکر می‌شود:

- تفسیر العیاشی ذیل سورة البقرة: آیه ۱۱۵ و مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ذیل «باب جواز النافلة علی الراحلة و فی المحمل إیماء لعذر و غیره و لو إلی غیر القبلة سفرا و حضراً»: عن حریر قال: قال أبو جعفر ع أنزل الله هذه الآية فی التطوع خاصة «فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» و صلی رسول الله ص إیماء علی راحلته - اینما توجّهت به حیث



خرج إلى خيبر، و حين رجع من مكة و جعل الكعبة خلف ظهره (عياشي، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۵۶؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۹۲).

- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ذیل «باب عدم جواز الجمع فی النیة بین صلاتین مطلقا و لا احتساب ما صلی من النوافل بنیة أخرى و جواز نقل النیة قبل الفراغ لا بعده فی مواضع»: عَنْ حَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَا قِرَانَ بَيْنَ صَلَاتَيْنِ وَ لَا قِرَانَ بَيْنَ فَرِيضَةٍ وَ نَافِلَةٍ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۳۲).

- فلاح السائل و نجاح المسائل ذیل عنوان «ذكر ما يستحب التوجه فيه بسبع تكبيرات و ما نرويه في سبب ذلك»: حَدِيثَ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْعَلَاءِ الْمَذَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونَ قَالَ حَدَّثَنَا حَمَادُ بْنُ عَيْسَى الْجُهَنِيُّ عَنْ حَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعِينٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: افْتَتِحَ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ بِالتَّوَجُّهِ وَ التَّكْبِيرِ فِي الزَّوَالِ وَ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَ الْمُفْرَدَةِ مِنَ الوَثْرِ وَ قَدْ يُجْزِيكَ فِيهَا سِوَى ذَلِكَ مِنَ التَّطَوُّعِ أَنْ تُكَبِّرَ تَكْبِيرَةً لِكُلِّ رُكْعَتَيْنِ (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ص ۱۳۰).

- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ذیل «باب استحباب رفع اليدين فوق الرأس عند الفراغ من الصلاة و التكبير ثلاثا و الدعاء بالمأثور»: وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ حَمَادِ بْنِ حَرِيرِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا سَلَّمْتَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ ثَلَاثًا (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۵۲).

- السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى (و المستطرفات) ذیل عنوان «و من ذلك ما استطرفناه من كتاب حرير بن عبد الله السجستاني»: وَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع إِنَّمَا جُعِلَتِ الْقَدَمَانِ وَ الْأَرْبَعُ وَ الدَّرَاعُ وَ الدَّرَاعَانِ وَ قَدْ لَمَكَانِ النَّافِلَةِ (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۸۶).

- السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى (و المستطرفات) ذیل عنوان «و من ذلك ما استطرفناه من كتاب حرير بن عبد الله السجستاني»: قَالَ وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع لَا تَقْرَنَّ بَيْنَ السُّورَتَيْنِ فِي الْفَرِيضَةِ فِي رُكْعَةٍ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ وَ قَالَ لَا بَأْسَ بِالإِقْعَاءِ فِيمَا بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ وَ لَا يَنْبَغِي الإِقْعَاءُ فِي مَوْضِعِ التَّشْهُدَيْنِ إِنَّمَا التَّشْهُدُ فِي الْجُلُوسِ وَ لَيْسَ الْمُقْعَى بِجَالِسٍ (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۸۶).

همچنین مواردی وجود دارد که مفاد آن در کتب اربعه آمده است ولی نامی از حریر به میان نیامده است و نشان دهنده‌ای که این حدیث از کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی در

کتاب اربعه نقل شده باشد وجود ندارد، برای نمونه سه مورد زیر را که مشابه مفاد آن در کتاب اربعه آمده ذکر می‌کنیم:

- علل الشرائع ذیل «باب العلة التي من أجلها لا تتخذ القبور قبلة»: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الصَّلَاةُ بَيْنَ الْقُبُورِ قَالَ صَلَّى فِي خِلَالِهَا وَ لَا تَتَّخِذُ شَيْئًا مِنْهَا قِبْلَةً فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى نَهَى عَنْ ذَلِكَ وَقَالَ وَ لَا تَتَّخِذُوا قُبُورِي قِبْلَةً وَ لَا مَسْجِدًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَعَنَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ. (ابن بابویه، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۳۵۸) فرازی از این حدیث از زبان پیامبر اکرم (ص) بدون به میان آوردن هیچ گونه اسمی از اسامی روات به صورت «وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى وَ لَا تَتَّخِذُوا قُبُورِي قِبْلَةً» در کتاب من لایحضره الفقیه نقل شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۷۸).

- تفسیر العیاشی ذیل سوره النساء: آیه ۱۰۱: «عن حریز قال: قال زرارة و محمد بن مسلم قلنا لأبي جعفر ما تقول في الصلاة في السفر كيف هي و كم هي قال: إن الله يقول: إذا ضربتُم في الأرض فليس عليكم جناح أن تقصروا من الصلاة» فصار التقصير في السفر واجبا كوجوب التمام في الحضر.... فإنها ثلاث ليس فيها تقصير تركها رسول الله ص في السفر و الحضر ثلاث ركعات» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۲۷۱). همین روایت در کتاب من لایحضره الفقیه شیخ صدوق ذیل «باب الصلاة في السفر» با اضافات بیشتر ذکر شده اما نامی از حریز به میان نیامده است و در ابتدای سند عبارت «روی عن زراره و محمد بن مسلم انهما قالا» آمده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۳۵).

- تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه ذیل «باب كراهة صلاة الرجل و المرأة تُصَلِّي قُدَامَهُ أَوْ إِلَى جَانِبِيهِ وَ كَذَا الْمَرْأَةُ إِلَّا بِمَكَّةَ»: وَ عَنْهُ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ تُصَلِّي حَيْثُ زَوَّجَهَا قَالَ تُصَلِّي بِإِزَاءِ الرَّجُلِ إِذَا كَانَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ قَدْرٌ مَا لَا يَتَخَطَّى أَوْ قَدْرٌ عَظِيمُ الدَّرَاعِ فَصَاعِدًا (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۲۶). نظیر این روایت در کتاب من لایحضره الفقیه ذیل «باب المواضع التي تجوز الصلاة فيها و المواضع التي لا تجوز فيها» اینگونه آمده است: وَ فِي رِوَايَةِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - إِذَا كَانَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ قَدْرٌ مَا يَتَخَطَّى أَوْ قَدْرٌ عَظِيمٌ ذِرَاعٍ فَصَاعِدًا فَلَا بَأْسَ إِنْ صَلَّتْ بِحِذَاهُ وَ حِدَّهَا (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۴۷). شیخ صدوق در این روایت نیز نامی از حریز ذکر نکرده است.

بله شیخ صدوق در مشیخه بیان می‌کند روایاتی را که از زراره نقل می‌کند از حماد از حریز نقل کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۲۵)؛ منتها این نشان دهنده این که این حدیث از



کتاب الصلاة حریر نقل شده نیست، چه اینکه در بسیاری از موارد شیخ صدوق به غیر از این طریق از زراره نقل میکند (برای نمونه نک: ابن بابویه، ۱۳۴۱ق، ج ۱، ص ۳۶۲ و ۳۹۳ و ۴۰۶) و یا به نحوه دیگری یعنی با ذکر حریر در سلسله سند در متن کتاب من لایحضره الفقیه از زراره روایت می‌کند (برای نمونه نک: ابن بابویه، ۱۳۴۱ق، ج ۲، ص ۱۸۲).

مواردی نیز وجود دارد که مفاد حدیث با الفاظ کمی متفاوت در کتب اربعه ذکر شده است؛ برای نمونه مورد زیر را ذکر می‌کنیم:

- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ذیل «باب وجوبه للصلاة و نحوهها»: الْبَحَارُ، عَنْ كِتَابِ الْعَلَلِ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْقُمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَتْ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنْ كِبَارِ حَدُودِ الصَّلَاةِ فَقَالَ سَبْعَةٌ الْوُضُوءُ وَالْوَقْتُ الْخَبَرُ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۸). شبیه مفاد این حدیث در کتب اربعه با تفاوت تعبیر ذکر شده است.

در مورد بازسازی کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی باید گفت هر چند موارد متعددی داریم که در کتاب الصلاة حریر وجود دارد و در کتب اربعه نیست اما آنچه مهم است تعداد کتب محدود یا گسترده‌ای که احادیث کتاب الصلاة در آن باشد نیست بلکه غرض اصلی آن است که قدمی به سوی احیای ملاک قدما در سنجش احادیث این کتاب و با گسترش این قبیل پژوهش‌ها در رابطه با سایر احادیث برداشته شود که در ادامه بدان می‌پردازیم.

۴. اهمیت و فواید بازسازی آثار حدیثی مفقود

مواجهه با متن اصلی در منبع اولیه، به جای جداسازی، تقطیع‌ها و قاب‌بندی‌های مولفین کتب حدیثی خود دارای اهمیت فراوانی است که بر اهل علم پوشیده نیست؛ جداسازی، تقطیع و تبویب هر چند در جای خود کارایی داشته و دارد اما گاهی نیز موجب خسارت به میراث گرانبهای روایی شده است زیرا منبع و متن اصلی از دست رفته و به تبع آن بافت کلام نیز از بین می‌رود. انسجام متن نیز حتی در همان حدی که نقل از راوی اول صورت پذیرفته است، طبیعتاً بسیار بیشتر از زمانی است که آن متن تقطیع شده و در باب‌های مختلف جا گرفته است. ارزیابی حدیث نیز چنانچه در دوره متأخر متداول است به واسطه همان حدیث و سلسله سند همراه آن حدیث صورت می‌گیرد و از آنچه که در دوره قدما برای ارزیابی حدیث صورت می‌پذیرفته محروم هستیم زیرا آنان ملاک‌های دیگری برای ارزیابی حدیث داشتند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۳۰۲) از جمله اعتبار اصل و کتابی که حدیث در آن مجموعه آمده است،

تکرار آن حدیث در چند مصنف و یا تکرار آن در همان اصل و مجموعه حدیثی و ... (شیخ بهایی، ۱۴۲۹ق، ص ۲۶ تا ۲۹؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲۱، ص ۴۸۱ و ۴۸۲).

طبیعی است چنین ملاکی وقتی اصل کتاب موجود باشد امکان‌پذیر است و وقتی مصنف و کتابی در میان نباشد چنین ارزیابی از حدیث که بسیار قابل اعتنا و درخور توجه می‌باشد ممکن نیست لذا با بازسازی کتب حدیثی کهن می‌توان بار دیگر این نوع ارزیابی را تا حدودی به عرصه آزمون حدیث افزود و کتب حدیث متقدم و نخستین را به مجموعه غنی و گرانه‌های موجود از تراش حدیثی و اسلامی بازگرداند تا منشأ خیرات و برکات کثیری گردد و مطالعات بعدی هر چه بیشتر، گسترده تر و عمیق‌تر روی آن‌ها و پیرامون آن صورت پذیرد.

در این میان بازسازی کتب نخستین احادیث فقهی حایز اهمیت است زیرا هم احادیث آن منشأ صدور فتوا در اعصار گذشته تا کنون بوده و هم از جهت نفس علوم حدیث، مورد توجه می‌باشد و افزون بر آنکه امکان بررسی برخورد علما از جهت رد و قبول کل اثر و یا بخش‌هایی از روایات آن فراهم می‌گردد، امکان بررسی اینکه آن کتاب چگونه و از چه طریقی در بین اصحاب حدیث رواج یافته است، آیا همه کتاب معتبر دانسته شده و یا فقط قسمت‌هایی از آن مورد قبول واقع شده؟ و دلیل این رویگردانی چیست؟ فراهم می‌گردد و محملی پیدا می‌شود تا سایر روایاتی که در همان کتاب بوده و به دلیل عدم امکان بررسی روایات با ملاک قدما مورد التفات قرار نگرفته و احیاناً ضعیف دانسته شده‌اند از طریق بازسازی کتب نخستین بار دیگر همه احادیث آن وارد گردونه استناد شود و مستند رأی و فتوی قرار گیرد؛ علاوه بر اینکه این امر برای کسانی که در پی استفاده هر چه بیشتر و حداکثری از منابع حدیثی هستند و قائل به ترویج حدیث و کارآمدسازی آن در عرصه‌های مختلف هستند بسیار حایز اهمیت است.

اهمیت دیگر کار مربوط به نسخه‌شناسی است چون از یک کتاب نسخه‌های گوناگونی منتشر می‌شده و گاه این نسخ با هم اختلاف داشته‌اند در حالی که همه مربوط به یک کتاب بوده‌اند، وقتی اصل کتاب از بین رفته و روایات آن در کتب بعدی به صورت گزینش شده وارد شده است، همان عبارتی که در نسخه مربوطه بوده است وارد کتاب بعدی شده و تطبیقی با متن سایر نسخ داده نشده و با توجه به مبنای حجیت تبعدی خبر، توجهی به اختلاف ضبط‌های متن یک روایت واحد صورت نمی‌گرفته است، اما با بازسازی کتاب نخستین که طبیعتاً باید دارای یک متن باشد، این اختلاف ضبط متن حدیث مورد توجه قرار می‌گیرد و می‌تواند منشأ اثر فقهی حدیثی باشد و امکان مطالعات بعدی در آن زمینه را نیز مهیا نماید. همچنین مقایسه، مقارنه و



کنار هم نهادن مصادر مختلف می‌تواند خلل‌هایی را که در نسخه‌های گوناگون بوده است آشکار نماید و تصویر روشن‌تری را از آنچه وجود داشته است به دست دهد.

در ادامه باید اشاره کرد که با بازسازی کتب نخستین می‌توان به روش‌شناسی، تعبیرات خاص یک راوی یا مؤلف و کاربردهای خاص هر اثر پی برد.

لذا با پرداختن به بازسازی کتب حدیثی مفقود، این کتب قدیمی از تراث و متون اسلام در حیز انتفاع قرار می‌گیرد و اگر همین کار روی متون و کتب مختلف انجام شود به تدریج میراث غنی گذشته به دست می‌آید و می‌توان از آن سود جست و مورد مطالعه قرار داد؛ از جمله آن‌که به لحاظ حدیثی و فقهی کارآمد و تعلیم‌دهنده است که کتب نخستین چگونه بوده و به چه نسبتی در کتب بعد از خود وارد شده‌اند. همچنین برای فقها کارآمد است که احادیث مورد استناد در کتب نخستین به چه صورت قرار داشته‌اند.

مهم‌تر از همه، ملاک‌های قدمای فقها که براساس منبع و اصل مربوط بوده که حدیث در چه اصول یا منابعی قرار داشته و با چند بار تکرار آمده است و... همراه با بازسازی متون قابل احیا می‌باشد.

در مجموع باید گفت که پرداختن به بازسازی کتب حدیثی مفقود عرصه جدیدی است و از آنجایی که کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی در حال حاضر موجود نیست بازسازی آن، منجر به بازگشتن این کتاب در مجموعه میراث مکتوب شیعه به عنوان کتاب مستقل می‌گردد. و در صورتی که سایر کتب متقدم و منابع اولیه نیز مانند این کتاب بازسازی شوند راهی به سوی به کارگیری ملاک‌های جدید ارزیابی حدیث باز می‌گردد که علمای متقدم از آن برای سنجش حدیث استفاده می‌کردند و امروزه به دلیل از دست رفتن کتب و منابع اولیه چنین امکانی وجود ندارد. هدف اصلی این است که ملاک قدما در سنجش حدیث احیا شود که مبتنی بر گردآوری قرائن از جمله وجود حدیث در منابع معتبر است که از جمله آن کتاب الصلاة حریر می‌باشد.

برای نمونه می‌توان به کتاب الخلل فی الصلاة امام خمینی (ره) اشاره کرد آن‌جا که ایشان در تکیه بر روایت حریر که در قسمت المستطرفات از کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی ذکر شده است، برای استنتاج فقهی اشکال وارد می‌کنند بلکه آن را ممنوع می‌دانند به علت آنکه ایشان، کار ابن ادریس حلی را در ذکر روایت کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی، اجتهادی و با قیام قرینه می‌دانند که چون سلسله سند برای آن ذکر نشده و به زعم ایشان سندی در میان نبوده که ذکر شود لذا شهادت اجتهادی ابن ادریس حلی را حجت ندانسته و در نتیجه تکیه بر

آن روایت حریز را جایز نشمردند (خمینی، ۱۳۸۴ش، ص ۴۲۲). در حالی که با بازسازی کتاب حریز بن عبدالله سجستانی و البته در نظر گرفتن ملاک قدما، کلیه احادیث این کتاب کاملا می‌تواند با توجه به اهمیت و جایگاه کتاب الصلاه حریز که پیش‌تر بدان اشاره شد محل تکیه و مستمسک فتوا قرار گیرد.

۵. روش بازسازی کتاب الصلاه حریز بن عبدالله سجستانی

ابتدا با استفاده از مجموع میراث حدیثی به جا مانده، احادیث کتاب حدیثی مفقود گردآوری شده و با بررسی هر کدام از احادیث که انتساب آن به کتاب مذکور صحیح است یا خیر پژوهش ادامه می‌یابد. اگر کتاب مفقود موضوع خاصی را در برداشته باشد، بررسی صحت انتساب روایات به کتاب مفقود حدیثی ممکن است با لحاظ محتوای کتاب هم صورت گیرد که در مورد کتاب الصلاه حریز بن عبدالله سجستانی اینگونه می‌باشد و می‌توان روایات گردآوری شده از حریز را با لحاظ محتوایی که مرتبط با نماز و مقدمات آن و پیرامون نماز است مورد بررسی و امکان سنجی قرار داشتن در کتاب الصلاه وی ارزیابی کرد.

نیز روایاتی را که روات یا مولفین کتب حدیثی صریحا ذکر کرده‌اند که از کتاب الصلاه حریز بن عبدالله سجستانی نقل کرده‌اند مانند آنچه که ابن ادریس حلی در قسمت المستطرفات کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی خویش ذکر کرده است (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۸۵) و موارد دیگر طبیعتا لحاظ می‌گردد.

شایان ذکر است از آنجایی که در این نوع روایات که صریحا ذکر شده که از کتاب الصلاه حریز نقل شده است مضامین مربوط به مقدمات نماز، طهارات و ... بیان شده است روشن می‌گردد که احادیثی که با موضوعات این چنینی از حریز نقل شده است نیز می‌تواند در کتاب الصلاه وی آمده باشد.

از نظر ساختاری، یک منبع روایی دارای عناصر کتاب، سند و متن می‌باشد و هر کدام از این سه در بازسازی اثر منبع حدیث کارا هستند. مبتنی بر هر کدام از کتاب، سند و متن می‌توان در مسیر بازسازی اثر مفقود گام برداشت؛ ناظر به سند روایت می‌توان تحلیل اسنادی داشت، ناظر به متن روایت می‌توان تحلیل محتوایی را مطرح نمود و ناظر به کتاب می‌توان از تحلیل کتاب‌شناختی بهره برد.



۱-۵. روش سندمحور

روش سند محور و تحلیل اسنادی با نظر به سلسله سند احادیث و طریق کتب انجام می‌گیرد و قواعد و دستورالعمل‌های متناسب با سند روایات را خواهد داشت.

۱-۱-۵. بررسی طریق‌های اثر مفقود در سلسله اسناد احادیث

در روش سندمحور و تحلیل اسنادی بررسی طریق‌های اثر مفقود در سلسله اسناد احادیث حائز اهمیت می‌باشد. برای این امر که برای دستیابی به مشایخ اجازه نیز به کار می‌رود (ن.ک: معارف، ۱۳۸۸ش، ص ۷۶) باید به همه طریق‌هایی که به اثر از دست رفته وجود داشته دست یافت. استفاده از کتب تراجم، فهرست‌ها، اجازات، مشیخه‌ها و کتبی از این سنخ که اطلاعات مربوطه را می‌توان در آن پیدا نمود، برای دستیابی به طرق اثر مفقود لازم است. با استفاده از طریق‌های منبع مفقود، باید در سندهای احادیث به جستجو پرداخت.

اگر با طرق بدست آمده حدیثی از مولف اثر مفقود در کتب دیگر ذکر شده باشد، نشان‌گر این است که آن حدیث از کتاب مفقود مولف اخذ شده است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۵).

در این روش صحیح یا ضعیف بودن طریق تاثیر بسیاری بر انتساب یک حدیث به اثر مفقود ندارد؛ چون در انتقال مکتوب اثر، واسطه‌ها دخیل و متصرف در نقل نیستند. مبنای رجالی مهمی وجود دارد که در طرق به کتب، نیاز به بررسی سندی نیست (شیری، ۱۳۸۸ق، ص ۳۸۲).

در رابطه با کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی به طور مثال در کتاب فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، شیخ طوسی بعد از معرفی کتب حریر بن عبدالله سجستانی، طرق خود به روایات حریر را اینگونه ذکر می‌نماید:

«أخبرنا بروایاته الشیخ أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان، عن جعفر بن محمد بن قولویه، عن أبي القاسم جعفر بن محمد العلوی الموسوی، عن ابن نهیک، عن ابن أبي عمیر، عن حمّاد، عن حریر.

و أخبرنا عدّة من أصحابنا، عن محمد بن علی بن الحسین، عن أبيه، عن سعد بن عبد الله و عبد الله بن جعفر و محمد بن یحیی و أحمد بن إدريس و علی بن موسی بن جعفر کلّهم، عن أحمد بن محمد، عن الحسین بن سعید و علی بن حدید و عبد الرحمن بن أبي نجران، عن حمّاد بن عیسی الجهنی، عن حریر.

و أخبرنا الحسين بن عبيد الله، عن أبي محمد الحسن بن حمزة العلوي، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن حماد، عن حريز» (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۲).

همو در کتاب کتاب الإستبصار فیما اختلف من الأخبار حدیث ذیل را با سند مشابه یکی از طرق خود در کتاب فهرست کتب الشیعۀ و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول ذکر می‌نماید که نشان می‌دهد این حدیث در کتاب الصلاه حریز بن عبدالله سجستانی وجود داشته است و از این کتاب نقل شده است:

«أخبرني الشيخ رحمه الله عن أبي القاسم جعفر بن محمد عن أبيه عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن علي بن حديد و عبد الرحمن بن أبي نجران عن حماد بن عيسى عن حريز بن عبد الله عن زرارة عن أبي جعفر قال: كان رسول الله ص يصلي ركعتي الصبح وهي الفجر إذا اعترض الفجر وأضاء حسنا» (طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۷۳-۲۷۴).

۲-۱-۵. یکسانی سندها تا مولف

در روش سند محور و تحلیل اسنادی، اگر سندهای منقول تا مولف اثر مفقود، همانند و یکسان باشد و روایات زیادی از یک مولف با سند یکسان نقل شده باشد نشان‌گر این است که روایاتی که با این سند یکسان ذکر شده‌اند از یک اثر مکتوب نقل گشته‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۵-۱۶). همین روش برای شناخت مشایخ اجازه نیز به کار می‌رود (ن.ک: معارف، ۱۳۸۸ش، ص ۷۷). البته باید متذکر شد این قاعده لزوما همیشه برقرار نیست اما قرینه‌ای است بر نقل آن روایات از یک اثر مکتوب.

برای نمونه در احادیث بسیاری با یکسانی و همانندی قسمتی از سند در کتب حدیثی یافت می‌شود که در سند نام رجال «الحسین بن سعید عن حماد عن حریز» تکرار شده است. این موارد نشان‌دهنده این است که کتاب حریز و یا احادیث آن نزد حسین بن سعید بوده است و بقیه روات از کتاب نزد او روایات حریز را نقل نموده‌اند. موارد زیر نمونه‌هایی از یکسانی و همانندی قسمتی از سند در کتب حدیثی با نام رجال «الحسین بن سعید عن حماد عن حریز» می‌باشد:

- کتاب الخصال: حدثنا أبي رضى الله عنه قال حدثنا سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد عن حماد بن عيسى عن حريز عن زرارة عن أبي عبد الله ع قال: لا تُعاد الصلاة إلا من خمسه... (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۸۴-۲۸۵).



- کتاب تهذیب الاحکام: و أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ أَخْبَرَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى وَ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ جَمِيعاً عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يَسْقُطُ مِنْهُ الدَّوَابُّ... (طوسی، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱-۱۲).

- کتاب تهذیب الاحکام: أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا انْكَسَفَ الْقَمَرُ فَاسْتَيْقِظَ الرَّجُلُ... (طوسی، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱۷-۱۱۸).

- کتاب تهذیب الاحکام: وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ أَعْنَى الْإِسْنَادِ الْأَوَّلِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ أُجْنِبَ... (طوسی، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۹۷).

- کتاب تهذیب الاحکام: أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ فِي رَجُلٍ لَمْ يُصَبِّ الْمَاءُ وَ حَضَرَتْ الصَّلَاةُ... (طوسی، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۰۵).

- کتاب تهذیب الاحکام: بِهَذَا الْإِسْنَادِ [أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ] عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ كَيْفَ التَّيْمُمُ... (طوسی، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱۰).

- کتاب تهذیب الاحکام: أَخْبَرَنِي بِهِ الشَّيْخُ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبَانَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْكَلْبِ يَشْرَبُ مِنَ الْإِنَاءِ... (طوسی، ۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۲۵).

البته همانطور که ذکر گردید این قاعده قرینه‌ای است بر نقل آن روایات از یک اثر مکتوب و همیشه برقرار نیست و روایتی داریم که در سند آن نام رجال «الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيْزٍ» ذکر گردیده و موضوع حدیث مرتبط با نماز و پیرامون آن نیست و بسیار بعید است در کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی نقل شده باشد (ن.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ج ۲، ص ۵۶۳).

۳-۱-۵. بررسی احادیث راوی اعلی

در روش سندمحور و تحلیل اسنادی، می‌توان به بررسی احادیث راوی اعلی کتب مفقود در مجموعه‌های حدیثی پرداخت و کسی که اثر مفقود را برای نخستین بار از نگارنده کتاب نقل نموده و در طریق‌ها و فهرست‌ها راوی اعلی معرفی گشته است مورد توجه قرار داد و احادیث منقول از وی را بررسی کرد. در این صورت اگر شاگرد مولف اثر مفقود، حدیثی را نقل نماید محتمل است که از همان منبع مفقود آن را اخذ کرده باشد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۵). این احتمال قوت می‌یابد زمانی که موضوع حدیث منقول از راوی اعلی با موضوع اثر مفقود مولف (در صورت دارای موضوع خاص داشتن) همخوان باشد.

انتساب کتاب به راوی اعلی حین نام بردن از کتاب سابقه داشته و برخی زمانی که به کتابی اشاره می‌کردند فقط اولین راوی آن را ذکر می‌نمودند و اثر را به او منتسب می‌کردند (اعظمی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۲).

به عنوان نمونه کتاب حسین بن سعید، به احمد بن محمد بن عیسی که راوی کتاب حسین بن سعید است منتسب شده در حالی که فقط نام احمد بن محمد بن عیسی در ابتدای سند ذکر شده زیرا که راوی نخست کتاب حسین بن سعید بوده است و نه نگارنده کتاب او (شیبیری، ۱۳۷۶ش، ص ۲۳-۲۶).

در مورد کتاب الصلاه حریر بن عبدالله سجستانی، حماد بن عیسی راوی اعلی احادیث کتاب الصلاه حریر بن عبدالله محسوب می‌گردد. حماد بن عیسی کتاب حریر در مورد نماز را حفظ بوده و در دیداری با امام صادق علیه‌السلام به حضرت عرض می‌نماید: «یا سیدی، اَنَا أَحْفَظُ كِتَابَ حَرِيرِ بْنِ الصَّلَاءِ» من کتاب حریر در مورد نماز را از بر هستم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۱۱). بسیاری از احادیثی که از کتاب الصلاه حریر بن عبدالله سجستانی نقل شده است، از حماد بن عیسی نقل گشته و وی راوی نخستین کتاب الصلاه بوده است.

برای نمونه در کتاب الايضاح قاضی نعمان ذیل عنوان «ذکر صلاه النافله فی وقت صلاه الفریضه» حدیثی با بیان اینکه در از کتاب حماد بن عیسی اخذ شده است و با ذکر نام حریر در سلسله سند آن نقل گشته: «و فی کتاب حماد بن عیسی روایتی عن حریر بن عبدالله [السجستانی] عن زراره بن اعین عن ابی جعفر قال قال لا تصل من النافله شیئا فی وقت الفریضه فانه لا تقضى النافله فی وقت الفریضه فاذا كان وقت الفریضه فابدأ بالفریضه» (ابن حیون، ۱۴۲۸ق، ص ۴۲-۴۳)؛ همین روایت را ابن ادریس حلی در کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی در قسمت



المستطرفات ذکر می‌نماید و بیان می‌کند آن را از کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی اختیار نموده است (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۸۵-۵۸۶).

البته مواردی هم وجود دارد که قرائن دلالت بر وجود حدیث در کتاب الصلاة حریر بن عبدالله می‌نماید اما روایت‌کننده از حریر، حماد بن عیسی نیست و فرد دیگری است. برای نمونه می‌توان به حدیث زیر اشاره نمود:

- کتاب تهذیب الاحکام، (کتاب الصلاة) بَابُ الْعَمَلِ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمِهَا : الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ حَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لَنَا صَلُّوا فِي السَّفَرِ صَلَاةَ الْجُمُعَةِ جَمَاعَةً بَغَيْرِ خُطْبَةٍ وَ اجْهَرُوا بِالْقِرَاءَةِ فَقُلْتُ إِنَّهُ يُنْكَرُ عَلَيْنَا الْجَهْرُ بِهَا فِي السَّفَرِ فَقَالَ اجْهَرُوا بِهَا (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۵).

در مورد کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی، هر چند حماد بن عیسی راوی اعلیٰ احادیث کتاب الصلاة حریر بن عبدالله محسوب می‌گردد اما چون حماد بن عیسی نیز دارای کتاب الصلاة می‌باشد (ن.ک: طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۵۶) و روایات زیادی از حماد بن عیسی وجود دارد که در رابطه با نماز و پیرامون آن است و در خیلی از موارد حماد راویان قبل از خود را ذکر نموده و حدیث را به معصوم نسبت داده است و آن راویان میان حماد و معصوم غیر از حریر هستند، نمی‌توان از این مسیر روایتی را بدست آورد که احتمال داد از کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی اخذ شده باشد.

۴-۱-۵. استفاده از حلقه مشترک در سندهای روایات

اصطلاح حلقه مشترک را اولین بار یوزف شاخت بیان کرد و بعد از او خوتیر ینبل آن را توسعه داد (موتسکی، ۱۳۹۰ش، ص ۴۸؛ آقایی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۴۹). منظور از حلقه مشترک، قدیمی‌ترین راوی‌ای است که حدیثی را که از یک مرجع اخذ نموده برای چندی از شاگردان نقل می‌نماید (آقایی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۴۹-۱۵۰).

سندهای روایات در جوامع حدیثی نشان دارد از طریق مولف جامع حدیثی به کتابی که حدیث را از آن کتاب نقل نموده است. با تحلیل اسناد به لحاظ طریق در آن، سند دارای سه قسمت طریق مولف جامع حدیثی به صاحب کتاب، خود صاحب کتاب و سند مذکور در کتاب که از صاحب کتاب تا معصوم علیه‌السلام می‌باشد (شبییری، ۱۳۸۸ش، ص ۳۸۳).

در همین زمینه فواد سزگین روشی را که برای تشخیص منابع مکتوب متون حدیثی است بیان نموده و آن هم این که نخست اسانید کتابی که در پی کشف منابع مکتوب آن هستیم بر اساس نام جدیدترین راوی مرتب می‌گردد. اولین نام مشترک مبدا قرار می‌گیرد و به بررسی افراد طبقه بعد پرداخته می‌شود که نام‌های مشترک دیگر لحاظ گردد. آخرین نام از آن میان صاحب منبع مکتوبی است که حدیث از آن اخذ شده است (سزگین، ۱۳۸۰ش، ص ۱۲۱).

محققان دیگر نیز از این روش استفاده کرده و آن را تایید و تبیین نموده‌اند (شبییری، ۱۳۸۸ش، ص ۴۰۰-۴۰۱؛ مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۵-۱۶). محمدجواد شبیری با اشاره به کتاب نعمانی، و گردآوری اسانید آن و مرتب ساختن آن براساس حروف الفبا، بیان می‌نماید این کار نشان می‌دهد آغاز برخی از اسناد یکسان است و اختلاف فقط در اواخر اسناد هست. یعنی این سندها تا یک راوی خاص مشترک هستند و بعد از او با همدیگر اختلاف پیدا می‌نمایند. اگر آن راوی دارای تالیف باشد روایات مبتنی بر اسناد مذکور از همان کتاب او می‌تواند نقل شده باشد. یعنی بخش مشترک اسناد طریق به منبع مکتوب بوده که تکرار شده است و اختلاف در اواخر سند، به خاطر همان سندهایی است که در آن منبع مکتوب ذکر گردیده است (شبییری، ۱۳۸۸ش، ص ۴۰۰-۴۰۱).

این روش در اصل برای بازیابی منابع مکتوب متون حدیثی است و برای بازسازی کتابی که نام آن و مولف را می‌دانیم به طور مستقیم کاربرد ندارد اما می‌تواند منبع مکتوبی دیگر که واسطه نقل از کتاب مفقود بوده را بشناساند و همچنین مایه سنجش احادیث مکتوب از مولف کتاب مفقود از احادیث غیر مکتوب او قرار گیرد و از این رهگذر به بازسازی کتاب مفقود کمک نماید که قرینه‌ای باشد که نشان دهد حدیثی که از مولف کتاب مفقود ذکر می‌گردد از کتاب اوست یا از نقل‌های شفاهی اوست. همچنین برای بررسی تفاوت‌های احتمالی در الفاظ احادیث به جا مانده از مولف در مجموعه جوامع حدیثی و روایات نقل شده در کتاب واسطه نقل، می‌تواند نقش ایفا نماید.

با توجه به اینکه کتاب الصلاه حریر بن عبدالله سجستانی را مولفین جوامع روایی اذعان به نقل از اصل کتاب الصلاه کرده‌اند و طریق خود را به کتاب حریر بن عبدالله سجستانی در فهرست و مشیخه خود بیان نموده‌اند پیدا کردن منبع مکتوب واسطه نقل از کتاب الصلاه در اصل بازسازی دارای نقش چندانی نیست. هرچند که اگر از منبع مکتوب واسطه و یا حتی غیر مکتوب احادیث



کتاب الصلاة نقل گشته و بیان شده باشد که در اصل از کتاب الصلاة اخذ شده است باز به اصل وجود آن حدیث در کتاب الصلاة لطمه‌ای نمی‌زند.

۲-۵. روش ارزیابی محتوایی

روش‌های بازسازی کتاب مفقود براساس سه عنصر سند، متن و کتاب امکان‌پذیر است. روش سند محور و تحلیل اسنادی با نظر به سلسله سند احادیث و طریق کتب انجام می‌گیرد (که در قسمت قبل بدان اشاره شد). شیوه‌های ناظر به متن همراه با تحلیل محتوایی صورت می‌پذیرد. و شیوه‌های ناظر به کتاب نیز با تحلیل کتاب شناختی انجام می‌گیرد. روشی که به ارزیابی متن احادیث می‌پردازد و براساس مولفه‌های شناخت متن، نسبت آن احادیث را با کتب از دست رفته برقرار می‌نماید، در دسته ارزیابی محتوایی جای می‌گیرد. بنابراین حتی بدون در نظر گرفتن سند روایات و طریق کتب نیز، از نظر ارزیابی محتوایی می‌توان در عرصه بازسازی گام نهاد و از منظر متن روایات، بررسی‌های لازم جهت بازسازی را انجام داد.

چهار صورت زیر در نسبت با محتوا و متن روایت قابل تصور است:

- ۱) روایت با نام مولف کتاب مفقود نقل شده است و محتوای حدیث متناسب با موضوع کتاب مفقود است.
 - ۲) روایت با نام مولف کتاب مفقود نقل شده است و محتوای حدیث متناسب با موضوع کتاب مفقود نیست.
 - ۳) روایت بدون نام مولف کتاب مفقود نقل شده است و محتوای حدیث متناسب با موضوع کتاب مفقود است.
 - ۴) روایت بدون نام مولف کتاب مفقود نقل شده است و محتوای حدیث متناسب با موضوع کتاب مفقود نیست.
- صورت چهارم بدون نیاز به توضیح اضافی معلوم الحال بوده و ثمره‌ای برای بازسازی با لحاظ رویکرد ارزیابی محتوایی ندارد.

در صورت اول به احتمال زیاد روایت از کتاب مفقود اخذ شده است، زیرا هم تصریح شده که از مولف همان کتاب نقل شده است و هم موضوع حدیث با موضوع اثر مفقود همخوانی دارد. مطابقت محتوای روایت با عنوان یا موضوع اثر از دست رفته، از مهم‌ترین قرینه‌های متنی

است که نشان‌دهنده نقل روایت از منبع مکتوب مفقود است. در ضمن حذف سند و بیان نام مولف در نقل حدیث مرسوم بوده و فقط نویسنده جهت اختصار یا وجاده‌ای دست یافتن به آن کتاب یا از کتب مشهور بودن آن کتاب و عدم لزوم ذکر طریق و سند به آن از بیان سلسله اسناد خود به آن کتاب خودداری نموده است.

بر همین منوال احادیثی که از حریر بن عبدالله سجستانی نقل شده است و موضوع روایات با نماز همخوانی دارد، با لحاظ رویکرد ارزیابی محتوایی می‌توان گفت از کتاب الصلاة حریر نقل شده است.

برای نمونه می‌توان به احادیث زیر اشاره نمود:

- کتاب الکافی، (کتاب الصلاة) بَابُ مَنْ يُرِيدُ السَّفَرَ أَوْ يَقْدَمُ مِنْ سَفَرٍ مَتَى يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ أَوْ التَّمَامُ: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيرِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ فَاتَتْهُ صَلَاةٌ مِنْ صَلَاةِ السَّفَرِ فَذَكَرَهَا فِي الْحَضَرِ قَالَ يَقْضِي مَا فَاتَهُ كَمَا فَاتَهُ إِنْ كَانَتْ صَلَاةَ السَّفَرِ أَدَّاهَا فِي الْحَضَرِ مِثْلَهَا وَإِنْ كَانَتْ صَلَاةَ الْحَضَرِ فَلْيَقْضِ فِي السَّفَرِ صَلَاةَ الْحَضَرِ كَمَا فَاتَتْهُ (كليني، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۳۵).

- کتاب المحاسن، باب عقاب من قرأ خلف إمام يأتيه به: عَنْهُ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيرِ بْنِ زُرَّارَةَ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ مَنْ قَرَأَ خَلْفَ إِمَامٍ يَأْتُمُّ بِهِ فَمَاتَ بَعَثَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَيْرَ الْفِطْرَةِ (برقي، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۷۹).

- کتاب تفسير العياشي: عن حرير قال أبو جعفر استقبل القبلة بوجهك ولا تقلب وجهك من القبلة فتفسد صلاتك - فإن الله يقول لنبيه في الفريضة: «فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ» (عياشي، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۶۴).

در صورت دوم که نام مولف ذکر شده اما حدیث محتوایی متناسب با موضوع کتاب مفقود ندارد با روش ارزیابی محتوایی نمی‌توان حدیث را به اثر مفقود نسبت داد زیرا احتمال دارد در سایر آثار او ذکر شده و در اثر مفقود مورد نظر نقل نگردیده باشد و یا از احادیث منفرد صاحب کتاب بوده و در کتب مولف ذکر نشده باشد.

برای نمونه احادیث زیر با ذکر نام حریر بن عبدالله سجستانی نقل شده اما انتساب آن‌ها به کتاب الصلاة حریر قابل اثبات نیست زیرا که مفاد آن با موضوع کتاب الصلاة حریر همخوان نیست و با تحلیل محتوایی این نسبت برقرار نمی‌گردد.



- کتاب تهذیب الاحکام: مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنِ حَرِيْزِ بْنِ ابْنِ اُذَيْنَةَ عَنِ بُكَيْرِ بْنِ اُعَيْنٍ وَ بُرَيْدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ عَنِ اَبِي جَعْفَرٍ وَ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَ اَنْهَمَا قَالَا فِي الْعَبْدِ الْمَمْلُوكِ لَيْسَ لَهُ طَلَّاقٌ اِلَّا بِاِذْنِ مَوْلَاهُ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۳۳۸).

- کتاب تهذیب الاحکام: الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ عَنِ حَرِيْزِ قَالَ سَمِعْتُ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ ع يَقُولُ اتَّقُوا اللّٰهَ وَ صُوتُوا دِيْنََكُمْ بِالْوَرَعِ وَ قُوُوهُ بِالتَّقِيَّةِ وَ الْاِسْتِعْنَاءِ بِاللّٰهِ عَنِ طَلَبِ الْحَوَائِجِ اِلَى صَاحِبِ سُلْطَانٍ وَ اعْلَمْ اَنَّهُ مَنْ خَضَعَ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ اَوْ لِمَنْ يُخَالِفُهُ عَلَيَّ دِيْنَهُ طَالِبًا لِمَا فِي يَدِهِ مِنْ دُنْيَاهُ اُحْمَلَهُ اللّٰهُ وَ مَقْتَهُ عَلَيْهِ وَ وَكَلَهُ اِلَيْهِ فَاِنْ هُوَ غَلَبَ عَلَيَّ شَيْءٌ مِنْ دُنْيَاهُ فَصَارَ اِلَيْهِ مِنْهُ شَيْءٌ نَزَعَ اللّٰهُ الْبِرَكَةَ مِنْهُ وَ لَمْ يَأْجُرْهُ عَلَيَّ شَيْءٌ يَنْفَعُهُ فِي حِجٍّ وَ لَا عِتْقٍ وَ لَا بَرٍّ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۳۰).

در صورت دوم هرچند نمی توان به بودن آن حدیث در کتاب مفقود حکم کرد اما در همین صورت حکم قطعی به نبود آن حدیث در اثر مفقود نیز نمی توان داد و ممکن است با روشی غیر از ارزیابی محتوایی اتخاذ آن از کتاب مفقود روشن گردد.

برای نمونه حدیث زیر که ارتباطی با نماز و حتی مسائل پیرامون آن ندارد از کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی اخذ شده است و اخذ آن از کتاب الصلاة حریر بن عبدالله با روش کتابشناختی که در قسمت بعد به آن پرداخته خواهد شد، روشن گردیده است:

- کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، (باب المستطرفات) ما استطرفناه من کتاب حریر بن عبد الله السجستانی : وَ عَنِ ابْنِ ابْنِ بَنِي تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَ اَنَّهُ قَالَ: يَغْفِرُ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْلَةَ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ مَنْ خَلَفَهُ بِقَدْرِ شَعْرِ مَعْرِ بَنِي كَلْبٍ (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۸۷).

در صورت سوم که روایت بدون نام مولف کتاب مفقود نقل شده است و محتوای حدیث متناسب با عنوان یا موضوع کتاب مفقود است، هرچند امکان سنجش نسبت آن با اثر از دست رفته ظاهراً نیست اما می توان اخذ آن روایت از اثر مفقود را با شیوه‌هایی بررسی کرد.

برای نمونه حدیث زیر در کتاب کتاب من لایحضره الفقیه بدون نام آوردن از حریر نقل شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱).

«وَقَالَ أَبُو اسَامَةَ زَيْدُ الشَّحَامِ صَعِدْتُ مَرَّةً جَبَلِ أَبِي قُبَيْسٍ وَ النَّاسُ يُصَلُّونَ الْمَغْرِبَ فَرَأَيْتُ الشَّمْسَ لَمْ تَغِبْ وَ اِنَّمَا تَوَارَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ عَنِ النَّاسِ فَلَقِيتُ اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الصّٰدِقَ عَ فَاخْبَرْتُهُ بِذَلِكَ فَقَالَ لِي وَ لَمْ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِئْسَ مَا صَنَعْتَ اِنَّمَا تُصَلِّيْهَا اِذَا لَمْ تَرَهَا خَلْفَ جَبَلٍ غَابَتْ اَوْ غَارَتْ مَا لَمْ يَتَجَلَّلْهَا سَحَابٌ اَوْ ظَلَمَتْهُ تَطْلُهَا فَاِنَّمَا عَلَيْكَ مَشْرِفُكَ وَ مَغْرِبُكَ وَ لَيْسَ عَلَيَّ النَّاسُ اَنْ يَّبْحَثُوْا»

با جستجوی این حدیث ملاحظه می‌گردد که خود شیخ صدوق آن را در کتاب الامالی خویش به نقل از حریر بن عبدالله سجستانی روایت کرده و در آن سلسله سند خود را نیز تا حریر بیان نموده است (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۸۰). شیخ طوسی نیز در دو کتاب تهذیب الاحکام و الإستبصار فیما اختلف من الأخبار این روایت را با سند تا حریر نقل کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۶۴؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۶۶). بدین وسیله مشخص می‌گردد حدیثی که شیخ صدوق بدون آوردن نام حریر در رابطه با نماز ذکر کرده بود و به ظاهر امکان نبست سنجی با کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی را نداشت اما با پی‌جویی روایت و در نظر گرفتن محتوای آن می‌توان نسبت آن را حریر بن عبدالله و کتاب الصلاة وی برقرار نمود.

همچنین از روش‌های ارزیابی محتوایی در این صورت (سوم) که نام مولف ذکر نشده ولی محتوای روایت همخوان با عنوان یا موضوع کتاب مفقود می‌باشد این است که نقل روایت بوسیله راوی اثر یا شاگردان مولف کتاب بررسی شده و در صورتی که شاگرد مولف آن روایت را که همخوان با محتوای اثر استاد خویش است نقل نموده باشد، احتمال نقل وی از استاد خویش که صاحب اثر در آن زمینه است، قوت پیدا می‌نماید. همچنان که در قبل نیز بیان شد که انتساب کتاب به راوی اعلی حین نام بردن از کتاب سابقه داشته و برخی زمانی که به کتابی اشاره می‌کردند فقط اولین راوی آن را ذکر می‌نمودند و اثر را به او منتسب می‌کردند (اعظمی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۲).

مثلاً اگر حدیثی با محتوای نماز بدون نام حریر بن عبدالله ذکر شده باشد و با پی‌جویی روایت در سایر آثار آشکار شود که حماد بن عیسی نیز آن روایت را نموده است، با توجه به اینکه حماد بن عیسی از راویان کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی است این احتمال که حدیث مزبور از کتاب الصلاة حریر اخذ شده قوت می‌یابد. چنانکه حماد نیز کتابی داشته است که منبع کتاب الايضاح قاضی نعمان بوده و در کتاب الايضاح بیان شده که در کتاب حماد از حریر آن روایت نقل شده است (رحمتی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۱؛ همچنین برای نمونه ن.ک: ابن حیون، ۱۴۲۸ق، ص ۲۳).

به عنوان نمونه در کتاب کتاب من لایحضره الفقیه آمده است:

«قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَمْ يُصَلِّ مِنَ النَّهَارِ شَيْئاً حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ فَإِذَا زَالَتْ...»

(ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۷-۲۲۸).



همان‌گونه که مشخص است هیچ‌گونه نامی از حریر و نه هیچ‌راوی دیگری در میان نیست اما با ارزیابی محتوایی حدیث درمی‌یابیم بخشی از این روایت در کتاب الايضاح نقل شده و در آن قاضی نعمان مغربی بیان می‌کند که حدیث را از کتاب حماد بن عیسی نقل می‌نماید و بیان می‌کند که حماد از حریر روایت نموده است:

«و فی کتاب حماد بن عیسی روایتی عن حریر بن عبدالله عن زراره بن اعین عن ابی جعفر انه قال و ذکر صلاه رسول الله صلی الله علیه و آله فقال اوتر فی الربع الآخر فی اللیل» (ابن حیون، ۱۴۲۸ق، ص ۳۲).

با اینکه روایتی که در الايضاح ذکر شده بسیار کوتاه است اما تحلیل محتوایی آشکار می‌نماید که این روایت تقطیع شده از همان روایتی است که شیخ صدوق نیز در کتاب من لایحضره الفقیه بدون نام آوردن از حریر نقل کرده است و آن روایت به طور کامل در کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی نقل گشته است.

همچنین در بخش دیگری از کتاب الايضاح، بخش دیگری از همان روایت به طور مستقیم و این‌بار بدون ذکر نام حماد از حریر نقل شده و ذکر شده که در ذکر نماز حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بیان گشته است (ابن حیون، ۱۴۲۸ق، ص ۲۶). تقطیع‌های دیگری از این روایت نیز ذیل عناوین مرتبط در کتاب الايضاح با ذکر نام حریر بن عبدالله درج شده است (برای نمونه ن.ک: ابن حیون، ۱۴۲۸ق، ص ۳۰ و ۳۴ و ۳۸ و ۴۱).

۳-۵. روش تحلیل کتاب شناختی

منابع مکتوب مسلمانان از ابتدا با جریان‌ها و اتفاقاتی مواجه بوده است که منجر به از بین رفتن بخشی از آن تراث گرانبها در طول زمان گشته است. حوادث طبیعی و رخدادهای انسانی نیز در این میان اثرگذار بوده و برخی کتب موجود را مفقود نموده است. با این وجود بخش بسیاری از محتوای آن‌ها در میان کتب برجای مانده نقل و نگهداری گشته و امکان استفاده از آن بخش را باقی گذارده است. با جستجوی در تراث اسلامی می‌توان متون باقیمانده منابع مفقود را شناسایی کرد. روش تحلیل کتاب‌شناختی از شیوه‌های بازشناسی متون کتب مفقود است. در این روش با جستجو در بین کتب متأخر از اثر مفقود، منابعی که قسمت‌هایی از کتاب مفقود را نقل نموده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند و بازسازی اثر مفقود را ممکن می‌سازند.

جستجو در کتب دیگر مولف اثر مفقود، بررسی کتب شاگردان مولف، جستجو در کتب تخریب و مصدربیایی، بررسی کتب فهارس، جستجو در اجازات و کتب حدیثی، بررسی کتب هم‌مسلك‌های مولف و هم‌شهری‌های وی از راه‌کارهای مرتبط با روش تحلیل کتاب‌شناختی است که با مبنای برجای ماندن متون منابع از دست رفته در دل کتب موجود انجام می‌گیرد (ن.ک: بشیر یاسین، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳؛ بشیر یاسین، ۱۴۲۴ق، ص ۱۰۹).

مقدمه لازم برای بازیابی متن اثر از دست رفته شناسایی منابعی است که مولفان آن از کتاب مفقود نقل کرده و در گزارش خود مستقیماً از کتاب مفقود یا با واسطه از آن ذکر نموده‌اند. باید توجه داشت همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد در موارد بسیاری نویسندگان کتب متأخر حین استفاده از کتاب (مفقود) مورد نظر تنها نام مولف را ذکر کرده و نام کتاب مورد استفاده را نقل نمی‌نمایند (جعفریان، ۱۳۷۹ش، ص ۲۴۵). از همین جهت می‌توان افرادی که به کتاب مورد نظر دسترسی داشتند را فراتر از تعداد کسانی که به صراحت نام کتاب مفقود را در متن اثر خود ذکر نموده‌اند دانست.

گاهی نیز نام کتاب مورد نظر در متن اثر دیگر ذکر نشده اما در مقدمه یا مشیخه آن اثر بیان شده است که مطالب ذکر شده از مولف کتاب، منقول از کتاب اوست. در تحلیل کتاب‌شناختی پی‌جویی آثاری که خود هرچند متن کتاب مفقود را نقل نکرده‌اند اما راهنمای نقل قسمت‌های آن در آثار دیگر هستند حائز اهمیت است. در روش تحلیل کتاب‌شناختی دو دستورالعمل مهم وجود دارد: یکی بررسی کتب مرتبط و همخوان موضوعی با کتاب مفقود و دیگری بررسی کتب تراجم، شرح حال راویان، رجال و فهارس.

۱-۳-۵. بررسی کتب مرتبط و همخوان موضوعی با کتاب مفقود

از روش‌های بدست آوردن متن کتب مفقود، جستجو در کتب هم‌عنوان و همخوان - موضوعی با آن‌هاست. بررسی آثاری که پس از تالیف کتاب مفقود به نگارش درآمده‌اند از این جهت مورد توجه است که سیره نویسندگان آثار بر این است که از کتب قبلی که در زمینه آن موضوع تالیف شده‌اند بهره ببرند و بدین منظور قسمت‌هایی از متن کتاب مفقود را در خود نقل کرده باشند.



کتاب حدیثی بعد از کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی قسمت‌های زیادی از آن را در خود نقل کرده‌اند. خیلی از جوامع حدیثی بزرگ و مهم که به فروع دین و بیان روایات فقهی و احکام پرداخته‌اند دارای بخش نماز و طهارت هم هستند و از این رو با جستجوی ابواب الطهارات و الصلاة این کتب می‌توان روایاتی را که از حریر بن عبدالله سجستانی نقل شده است شناسایی نمود.

کتاب الکافی از شیخ کلینی، کتاب من لایحضره الفقیه از شیخ صدوق، تهذیب الاحکام و الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار از شیخ طوسی که معروف به کتب اربعه حدیثی شیعیان هستند هر کدام دارای ابواب متعدد مرتبط با نماز و طهارات هستند و از جمله کتبی هستند که از حریر بن عبدالله سجستانی نقل روایت نموده‌اند و به طور مثال شیخ صدوق در مقدمه کتاب خود ذکر می‌نماید که از کتاب الصلاة حریر بن عبدالله استفاده نموده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳). شیخ طوسی در کتاب فهرست کتب الشیعۀ و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، بعد از معرفی کتب حریر بن عبدالله سجستانی از جمله کتاب الصلاة، طرق خود به روایات حریر را ذکر می‌نماید (طوسی، ۱۴۲۰ق، ص ۱۶۲) و بالتبع در نگارش کتب تهذیب الاحکام و الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار از آن بهره برده است.

همچنین از کتبی که می‌توان موضوع آن‌ها را همخوان با موضوع کتاب الصلاة دانست کتبی است که به اعمال عبادی مستحب همچون نماز و دعا می‌پردازند. برای نمونه در کتاب مصباح المتهجد و سلاح المتعبد که جهت گردآوری اعمال عبادی در طول سال نگاشته شده و پاره‌ای از مسائل فقهی مرتبط با آن نیز در آن آورده شده (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴)، شیخ طوسی روایاتی از حریر بن عبدالله سجستانی در مورد نماز ذکر می‌نماید (برای نمونه ن.ک: طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۵۷ و ۳۶۴ و ۳۶۶).

همچنین در کتاب فلاح السائل و نجاح المسائل که آن هم در موضوع عبادات و اعمال مستحب نگاشته شده، سید ابن طاووس حدیثی از حریر بن عبدالله سجستانی نقل می‌نماید که در رابطه با نماز است. بخش پایانی این حدیث در منابع دیگر تا آن زمان یافت نشد (ن.ک: ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ص ۱۳۰).

کتاب فقهی نیز که به مباحث طهارات و نماز می‌پردازند و نقل روایت در آن‌ها دیده می‌شود می‌تواند محل بررسی و جستجوی روایات کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی باشد. برای نمونه در کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی نگاشته ابن ادریس حلی که کتابی فقهی است دو

روایت از حریر بن عبدالله سجستانی نقل و تصریح نیز گشته که از کتاب حریر بن عبدالله سجستانی این نقل صورت می‌پذیرد (ابن ادريس، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۲۰).
در کتاب المذهب البارع فی شرح المختصر النافع نیز که یک کتاب فقهی است روایتی از حریر بن عبدالله سجستانی در مورد نماز ذکر شده است که در هیچ یک از کتب قبل از آن یافت نگردید:

کتاب المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، کتاب الصلاة و النظر فی المقدمات و المقاصد: رَوَى حَرِيرٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ الْأَذَانَ حَتَّى أَقَامَ الصَّلَاةَ قَالَ لَا يَضُرُّهُ وَ لَا تُقَامُ الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْوَاحِدِ مَرَّتَيْنِ فَإِنْ كَانَ فِي غَيْرِ مَسْجِدٍ وَ أَتَى قَوْمًا قَدْ صَلَّوْا فَأَرَادُوا أَنْ يَجْمَعُوا الصَّلَاةَ فَعَلُوا (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴۴-۳۴۵).

همچنین در کتاب المعتبر فی شرح المختصر که از کتب فقهی قرن هفتم است، محقق حلی روایتی از حریر را بیان کرده و تصریح می‌نماید که از کتاب اوست (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸۹)، این روایت در کتب قبل از المعتبر فی شرح المختصر ذکر شده است منتها در متن آن نامی از کتاب الصلاة و حتی نامی از خود حریر ذکر نشده است و مستقیم روایت از راوی ناقل از معصوم ذکر شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۹۲).

۲-۳-۵. بررسی کتب تراجم و شرح حال راویان و رجال

از روش‌های بدست آوردن متن کتب مفقود با رویکرد کتاب‌شناختی، جستجو در کتب تراجم و شرح حال راویان و رجال است. برخی از این نوع آثار پس از معرفی مولف، روایاتی از وی که در آثارش نقل نموده را بیان می‌کنند. به همین جهت بررسی این کتب حائز اهمیت است زیرا که ممکن است روایاتی که از مولف ذکر می‌کنند از جمله متون اثر مفقود وی باشد. گاه در میان معرفی اشخاص دیگر مطالبی از صاحب اثر مفقود نقل می‌گردد که می‌تواند از منبع مفقود وی باشد.

برای نمونه در کتاب رجال الکشی، اختیار معرفه الرجال، ضمن نام مغیره بن سعید، حدیثی از حریر نقل شده است که مرتبط با نماز و مباحث پیرامون آن می‌باشد: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ الْمُغِيرَةِ، قَالَ حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ شَادَانَ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ حَمَّادٍ، عَنْ حَرِيرٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، قَالَ، قَالَ يَعْنِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ قَدْ نَزَلَتْ فِيهِمْ كَذَابٌ، أَمَّا الْمُغِيرَةُ: فَإِنَّهُ يَكْذِبُ عَلَى أَبِي يَعْنِي أَبَا جَعْفَرٍ (ع) قَالَ حَدَّثَهُ أَنَّ نِسَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ إِذَا حَضْنَ قَضَيْنَ الصَّلَاةَ، وَ كَذَبَ وَ اللَّهِ،

عَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ، مَا كَانَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ وَلَا حَدِيثُهُ، وَأَمَّا أَبُو الْخَطَّابِ: فَكَذَبَ عَلَيَّ، وَقَالَ إِنِّي أَمَرْتُهُ أَنْ لَا يُصَلِّيَ هُوَ وَأَصْحَابُهُ الْمَغْرِبَ حَتَّى يَرَوْا كَوْكَبَ كَذَا يُقَالُ لَهُ الْقُنْدَانِيُّ، وَاللَّهِ إِنَّ ذَلِكَ لَكَوْكَبٌ مَا أَعْرِفُهُ (كشي، ۱۴۰۹ق، ص ۲۲۸).

باید توجه داشت گاه ممکن است از صاحب اثر مفقود سخنی در میان متون کتب رجالی و شرح حالها ذکر گردد که لزوماً حدیث نیست و در کتاب آنها نیز ذکر نشده است. برای نمونه در کتاب رجال الکشی، اختیار معرفة الرجال، ذیل عنوان « مَا رَوَى فِي حَرِيرٍ... » کلامی فقهی از حریر بن عبدالله سجستانی نقل شده است که سخن خود اوست و نباید آن را با احادیث وی از معصوم خلط نمود؛ هرچند این کلام فقهی مطمئناً با توجه به مجموعه معارف فراگرفته شده از معصومین علیهم السلام بیان شده است. کشی با بیان اینکه یونس بن عبدالرحمن مطالب فقهی فراوانی از حریر بن عبدالله سجستانی بیان می‌نماید، یکی از این موارد را که گفتگوی یونس با حریر بوده است را با ذکر سند همانند یک حدیث نقل می‌کند:

«مُحَمَّدُ بْنُ نُصَيْرٍ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى، قَالَ حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، قَالَ: قُلْتُ لِحَرِيرٍ يَوْمًا، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ كَمْ يُجْزِيكَ أَنْ تَمْسَحَ مِنْ شَعْرِ رَأْسِكَ فِي وُضُوءِ الصَّلَاةِ قَالَ بِقَدْرِ ثَلَاثِ أَصَابِعَ وَأَوْمًا بِالسَّبَابَةِ وَالْوُسْطَى وَالثَّلَاثَةَ» (كشي، ۱۴۰۹ق، ص ۳۳۶).

با وجود اینکه این کلام فقهی و مرتبط با نماز هم هست اما به هر حال این کلام، کلام خود حریر بن عبدالله سجستانی است و نمی‌توان آن را به همین نحو از احادیث منبع مفقود وی قلمداد کرد؛ هرچند کشی در قسمت دیگر کتاب خود این گفتگو را نقل کرده و بعد از آن بیان کرده: «وَزَعَمَ حَرِيرٌ أَنَّ ذَاكَ بَرَوَايَةٌ» (كشي، ۱۴۰۹ق، ص ۳۸۵)؛ این بیان هم موجب نمی‌گردد این کلام را به همین نحو از روایات کتاب الصلاة دانست اما بیانگر این است که محتوای آن از روایات معصومین علیهم السلام است. با جستجوی این محتوا در روایات درمی‌یابیم این کلام حریر متخذ از روایتی است که خود او آن را از زراره از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

[کتاب الکافی، (کتاب الطهاره) بَابُ مَسْحِ الرَّأْسِ وَالْقَدَمَيْنِ: عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيرٍ عَنْ] «زُرَّارَةَ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْمَرْأَةُ يُجْزِيهَا مِنْ مَسْحِ الرَّأْسِ أَنْ تَمْسَحَ مَقْدَمَهُ قَدْرَ ثَلَاثِ أَصَابِعَ وَلَا تُلْقِيَ عَنْهَا خِمَارَهَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۰).

همچنین است کلام دیگری که از حریر بن عبدالله سجستانی ذیل نام خود او در بخش دیگر کتاب رجال الکشی، اختیار معرفة الرجال، نقل شده است و مکالمه او را با ابوحنیفه، پیشوای حنفیان از اهل سنت، متضمن است. این کلام هم کلام خود حریر است و متن روایتی از معصوم

علیه السلام نیست، هرچند در میان این کلام، حریر یک روایت هم از امام باقر علیه السلام بیان می‌نماید که البته مرتبط با مبحث نماز نیست (ن.ک: کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۸۴-۳۸۵).

برای بازسازی یک کتاب مفقود بهره‌گیری از مجموع روش‌های بازسازی لازم است. ضمن اینکه برخی از روش‌ها مکمل روش دیگر هستند. گاه ارزیابی‌های سندمحور، محتوایی و تحلیل کتاب‌شناختی در نطقه‌ای دست به دست هم داده و با هم ارزش افزوده بهتری فراهم خواهند آورد.

برای نمونه در رابطه با کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی،

- (تحلیل کتاب شناختی): شیخ صدوق در مقدمه کتاب من لایحضره الفقیه به استفاده از روایات آن اشاره می‌نماید (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳).

- (ارزیابی‌های سند محور): شیخ صدوق در مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه بیان می‌نماید که آنچه از زراره نقل می‌نماید به واسطه حریر ذکر می‌کند: «و ما کان فیہ عن زرارۃ بن أعین فقد رویته عن أبی - رضی الله عنه - عن عبد الله ابن جعفر الحمیری، عن محمد بن عیسی بن عبید؛ و الحسن بن ظریف؛ و علی بن إسماعیل بن عیسی کلهم عن حماد بن عیسی، عن حریر بن عبد الله، عن زرارۃ بن أعین» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۲۵).

- (ارزیابی‌های محتوایی): شیخ صدوق در مواردی در کتاب من لایحضره الفقیه با ذکر نام حریر احادیثی در رابطه با نماز نقل می‌نماید که روشن است از کتاب الصلاة حریر بیان نموده است و گاه مستقیم از زراره احادیثی در رابطه با نماز نقل می‌نماید که با توجه به اینکه در مشیخه بیان کرد آنچه از زراره نقل کرده است از حریر بن عبدالله سجستانی نقل نموده و با توجه به اینکه در مقدمه بیان کرد که از کتاب الصلاة حریر بن عبدالله استفاده نموده، روشن می‌گردد احادیثی که در رابطه با نماز مستقیم از زراره ذکر کرده هم از کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی نقل شده است. پی‌جویی این روایات در منابع دیگر و بدست آوردن نقل آن از حریر قرینه‌ای قوی بر اخذ آن از کتاب الصلاة حریر است.

مواردی همین موضوع را تایید می‌نماید. برای نمونه شیخ صدوق در باب صَلَاةِ الْخَوْفِ وَ الْمَطَارَدَةِ وَ الْمَوَاقِفَةِ وَ الْمَسَائِفَةِ در کتاب من لایحضره الفقیه به طور مستقیم از زراره روایتی را نقل می‌نماید: «و رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّهُ قَالَ: الَّذِي يَخَافُ اللَّصُوصَ وَ السَّبْعَ يُصَلِّي صَلَاةَ الْمَوَاقِفَةِ إِمَاءً عَلَى دَابَّتِهِ قَالَ قُلْتُ أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْمَوَاقِفُ عَلَى وَضُوءٍ كَيْفَ يَصْنَعُ وَ لَا يَقْدِرُ

عَلَى النَّزُولِ قَالَ يَتَيَّمُ مِنْ لُبِّ دَابَّتِهِ أَوْ سَرَجِهِ أَوْ مَعْرِفَهُ دَابَّتَهُ فَإِنَّ فِيهَا غُبَاراً وَ يُصَلِّي وَ يَجْعَلُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ وَ لَا يَدُورُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ لَكِنْ أَيْنَمَا دَارَتْ دَابَّتُهُ غَيْرَ أَنَّهُ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِأَوَّلِ تَكْبِيرِهِ حِينَ يَتَوَجَّهُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۶۶). در این روایت هیچ نامی از حریر و کتاب الصلاة او در میان نیست اما این حدیث از کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی اخذ شده است زیرا که بخشی از این روایت در قسمت مستطرفات کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی به نقل از کتاب حریر بن عبدالله سجستانی بدین صورت ذکر شده است: «قَالَ وَ قَالَ زُرَّارَةُ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْمَوَاقِفُ عَلَى وَضْءٍ كَيْفَ يَصْنَعُ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى النَّزُولِ قَالَ يَتَيَّمُ مِنْ لُبِّ دَابَّتِهِ أَوْ سَرَجِهِ أَوْ مَعْرِفَهُ دَابَّتَهُ فَإِنَّ فِيهَا غُبَاراً» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۸۷).

در موردی دیگر که موضوع روایت فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با غسل است (ن.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۵)، شیخ صدوق روایت را با عبارت «و قال ابو جعفر ع» شروع می نماید و در ادامه آن، پرسش زراره از امام باقر علیه السلام و جواب ایشان مطرح می شود. به همین واسطه معلوم می گردد راوی این روایت زراره بوده است. با توجه به کلام شیخ صدوق در مشیخه که آنچه از زراره نقل می نماید بواسطه حریر نقل می نماید، معلوم می گردد این حدیث از حریر نقل شده است. همین روایت را شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاحکام در کتاب الطهاره، أبواب الزیادات فی أبواب الطهاره، باب الأغسال و کفیه الغسل من الجنابه با سند و ذکر حریر در آن نقل می نماید (ن.ک: طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۰).

در موردی دیگر نقل مستقیم روایت از زراره توسط شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه و نقل همان روایت در منابع دیگر با ذکر نام حریر در سلسه سند و سپس ذکر آن از زراره مشاهده می گردد (ن.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۰۶).

این بررسی ها تنها آورده شان تایید نقل شیخ صدوق از زراره بواسطه حریر نیست؛ بلکه علاوه بر آن نشان گر آن است که حدیثی که شیخ صدوق به طور مستقیم از زراره نقل می نماید و موضوع آن نماز است، در صورتی که نقل و ارتباط آن در منابع دیگر نسبت به حریر رهگیری و تایید شود، در کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی نقل شده است، زیرا که حدیث زراره بواسطه حریر نقل شده است و از طرفی شیخ صدوق نیز اذعان داشته که از کتاب الصلاة حریر استفاده نموده است.

برای بررسی صحت انتساب هر حدیث به کتاب مورد نظر، باید تمام قرائن موجود لحاظ

گردد. از جمله قرائن موارد زیر می باشد:

الف) روات نقل کننده از صاحب کتاب، امکان در اختیار داشتن یا نداشتن کتاب توسط آنها،

ب) بررسی بنای روات بر نقل از کتابی که بدست آنان رسیده با توجه به طریق صحیح یا غیر آن،

ج) استفاده علمای حدیث و فقها از حدیث مذکور در کتب خود و بررسی اماراتی مبنی بر بودن آن حدیث در کتاب مذکور و در نسخه‌ای که نزد آنان است.

برای بازسازی کتاب الصلاه حریر بن عبدالله سجستانی خصوصا نقل‌های شیخ طوسی در تهذیب الاحکام و ابن ادریس حلی در مستطرفات سرائر و همچنین نقل‌های مشابه بر فرض وجود قرینه که دال بر نقل از اصل کتاب الصلاه حریر بن عبدالله سجستانی باشد کمک‌کننده خواهد بود، هرچند تمام تراث حدیثی باید مورد بررسی قرار گیرد.

به طور خلاصه مراحل زیر برای بازسازی مورد نظر لازم است انجام شود:

الف) گردآوری احادیث منقول از حریر

ب) ارزیابی محتوایی احادیث

ج) ارزیابی سندی و فهرست شناختی

د) نحوه چینش احادیث کتاب الصلاه حریر بن عبدالله سجستانی

بعد از ارزیابی‌های محتوایی و سندی مربوط به صحت انتساب روایت به کتاب الصلاه حریر بن عبدالله بحث چینش روایات در کتاب مورد توجه است که قاعدتا چینش مطابق با اصل کتاب، بدون داشتن نسخه‌ای از اصل کتاب ناممکن است اما با گردآوردن قرائن از منابع که نشان‌دهنده چگونگی چینش کلی کتاب مذکور باشد و توجه به چینش احادیث در سایر کتب مشابه، هم عصر و متأخر از کتاب مورد نظر می‌توان به الگویی رسید که به صورت احتمال کتاب الصلاه حریر بن عبدالله سجستانی به طور کلی با احادیث طهارت شروع و با مباحث مربوط به اجزاء نماز ادامه یافته و مباحث مربوط به نمازهای دیگر مثل نماز جمعه، نماز عید نیز بعد از آن ذکر شده است.

صدالبته همانطور که اشاره شد چینش جزئی روایات به نحوی که اطمینان‌آور باشد که مطابق کتاب اصلی است وجود ندارد و صرفا روایات در کتاب بازسازی شده گردآمده‌اند. و همچنین احتمال وجود روایاتی که در اصل کتاب بوده و در میراث حدیثی به جامانده ذکر نشده است منتفی نیست اما از آنجا که بیشتر به اهمیت کتاب الصلاه حریر بن عبدالله سجستانی اشاره



شد و با توجه به اهتمام علما به ذکر احادیث آن، به نحو احتمال می‌توان گفت اکثر روایات آن در کتاب بازسازی شده موجود و مورد استفاده خواهد بود.

طبیعی است تفصیل و چگونگی پیاده شدن این روش روی همه روایات از حریر بن عبدالله سجستانی همان طور که در بخش طرح مساله مقاله مطرح شده است، مجال دیگری می‌طلبد که اثر پژوهشی مستقلی بدان پردازد و بالتبع حجم وسیعی از مطالب را به خود اختصاص می‌دهد و ظرفیت طرح آن در این مقاله نیست.

نتایج تحقیق

کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی از کتب مهم روایی-فقهی متقدم متعلق به قرن دو است که بسیار مورد توجه و اعتناء روات قرار گرفته و احادیث آن در کتب پس از خود نشر یافته است اما اصل کتاب با وجود اهمیت فراوان که مرجع و مورد اعتماد محدثان بزرگ بوده است از بین رفته است. با توجه به تفاوت سنجش اعتبار احادیث توسط علما متقدم و متأخر و بنای علما متأخر بر بررسی سندی و رجالی حدیث و با توجه به از بین رفتن کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی امکان بررسی احادیث با ملاک قدما که مبتنی بر قرائن و اصل و منبعی که روایت از آن نقل شده است میسر نیست. با بکارگیری روش بازسازی متون مفقود حدیثی، بازسازی کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی با توجه به نشر آن در کتب پس از خود امکان‌پذیر است و فواید زیر را دارد:

الف) وجود یافتن کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی و بازگشت آن در جرگه کتب موجود حدیثی به عنوان یک کتاب

ب) فراهم شدن زمینه بازسازی قرائن قدما در قرائن خارجی به منظور احراز صدور حدیث با انجام این قبیل پژوهش‌ها

ج) امکان سنجش پذیرش احادیث کتاب الصلاة در آثار و فتاوی علمای حدیث و فقه

د) بررسی آثار فقهی مبتنی بر احادیث کتاب الصلاة حریر

ه) اعتبار احادیث کتاب الصلاة با ملاکهای امروزی حدیث و مقایسه آن با ملاک قدما

ی) از همه مهم‌تر با بازسازی کتاب الصلاة حریر بن عبدالله سجستانی با توجه به ملاک قدما در سنجش اعتبار احادیث می‌توان اعتباری بیش از پیش برای احادیث این کتاب قائل شد.

کتاب‌نامه:

- آقایی، سیدعلی (١٣٨٥ش)، «تاریخ گذاری روایات بر مبنای تحلیل اسناد»، علوم حدیث، شماره ٤١.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (١٤١٩ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن ادريس، محمد بن احمد (١٤١٠ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (١٣٦٢ش)، الخصال، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (١٣٨٥ش)، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (١٤٠٣ق)، معانی الاخبار، قم: انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (١٤٠٦ق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم: دارالشریف الرضی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (١٤١٣ق)، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (١٤٣٧ق)، ما وصل الینا من کتاب مدینه العلم، اعداد: عبدالحلیم عوض الحلّی، کربلا: مکتبه العتبه العباسیه المقدسه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (١٤٣٩ق)، تفسیر القرآن الکریم، اعداد: محمود کریمی و محسن دیمه کار، بیروت: دارالمعارف الحکمیة.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (١٤٢٨ق)، الايضاح، تقدیم و اعداد: محمدکاظم رحمتی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (١٤٠٤ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- ابن طاووس، علی بن موسی (١٤٠٦ق)، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: بوستان کتاب.
- ابن عباس، عبدالله (١٤١٢ق)، تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن فهد حلّی، جمال الدین احمد بن محمد اسدی (١٤٠٧ق)، المهدب البارع فی شرح المختصر النافع، محقق/ مصحح: مجتبی عراقی، قم: انتشارات اسلامی.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (١٣٥٦ش)، کامل الزیارات، نجف: دار المرتضویه.
- ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل (١٤٠٤ق)، التمهیص، قم: مدرسه الامام المهدي.
- ابوحمزہ ثمالی، ثابت بن دینار (١٤٢٠ق)، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق: عبدالرزاق محمدحسین حرزالدین، بیروت: دارالمفید.
- اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی (١٤٠٨ق)، النوادر، قم: مدرسه الإمام المهدي.
- اعظمی، محمدمصطفی (١٤١٣ق)، دراسات فی الحدیث النبوی و تاریخ تدوینہ، بیروت: المکتب الاسلامی.



بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۴۲ش)، کتاب الرجال لابی جعفر احمد بن ابی عبدالله البرقی، تهران:
انتشارات دانشگاه تهران.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
بشیر یاسین، حکمت (۱۴۱۲ق)، القواعد المنهجیه فی التنقیب عن المفقود من الکتب و الاجزاء التراثیه،
ریاض: مکتبه المویده.

بشیر یاسین، حکمت (۱۴۲۴ق)، کتب التراث بین الحوادث و الانبعاث، الدمام: دار ابن الجوزی.
بیات مختاری، مهدی (۱۳۹۰ش)، «تضارب آرای شیخ طوسی و نجاشی درباره حریر بن عبدالله
سجستانی»، رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث، شماره ۸۷.

پاکتچی، احمد (۱۳۸۰ش)، «روش بازشناسی متون کهن حدیثی»، پیام صادق، سال ۶، شماره ۳۶.
پهلوان، منصور و طارمی راد، حسن و سهیلی، محمدحسین (۱۳۹۶ش)، «بازسازی کتاب الحج معاویه بن
عمار و ارزیابی طرق روایت آن با تاکید بر احادیث زیارت»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۵۰،
شماره ۱.

جعفریان، رسول (۱۳۷۹ش)، «موارد پژوهی و بازسازی متون مفقوده»، آیین پژوهش، شماره ۶۳.
جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷ش)، رویکردهای نوین در حدیث پژوهی شیعه، تهران: دانشگاه امام صادق.
حلی، حسن بن علی بن داود (۱۳۴۲ش)، کتاب الرجال (لابن داود)، تهران: دانشگاه تهران.
حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، قم: موسسه آل البيت.

خمینی، روح الله (۱۳۸۴ش)، الخلل فی الصلاه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه، بی‌جا: بی‌نا.
دهنی، معاویه بن عمار (۱۴۳۱ق)، کتاب الحج، استخراج: محمد عیسی آل مکباس، تهران: مشعر.
راد، علی و حسینی، علیرضا و جمالی، مرضیه (۱۳۹۲ش)، «بازیابی روایات التفسیر علی بن ابی حمزه
بطائی»، حدیث اندیشه، شماره ۱۶.

ربانی سبزواری، ابوالحسن (۱۳۷۹ش)، «حریر بن عبدالله سجستانی الگوی غیرت دینی»، فرهنگ کوثر،
شماره ۴۷.

ربانی سبزواری، ابوالحسن (۱۳۸۱ش)، «حریر بن عبدالله سجستانی»، فرهنگ کوثر، شماره ۵۳.
رحمتی، محمدکاظم (۱۳۹۳ش)، «حریر بن عبدالله سجستانی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۳.
سزگین، فواد (۱۳۸۰ش)، تاریخ نگارش‌های عربی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.

- شبییری، محمدجواد (۱۳۸۸ش)، «منابع نعمانی در غیبت»، ترجمه و تنظیم سید محمد عمادی حائری در بازسازی متون کهن حدیث شیعه، قم: دارالحدیث.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۴۲۹ق)، مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین، تعلیق: محمداسماعیل بن الحسین المازندرانی، تحقیق: مهدی الرجائی، مشهد: آستانه الرضویه المقدسه، مجمع البحوث الاسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳ش)، رجال الطوسی، قم: النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المقدسه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰ق)، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰ق)، فهرست کتب الشیعۀ و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت: مؤسسه فقه الشیعۀ.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم: دار الثقافه.
- عاملی، محمد بن علی موسوی (۱۴۱۱ق)، مدارک الأحکام فی شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت: مؤسسه آل البيت.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۱ق)، الرجال العلامه الحلّی، نجف اشرف: دارالذخائر.
- عمادی حائری، سیدمحمد (۱۳۸۸ش)، بازسازی متون کهن حدیث شیعه: روش، نمونه، تحلیل، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- عوض الحلّی، عبدالحلیم (۱۴۳۷ق)، ما وصل الینا من کتاب مدینه العلم للشیخ الصدوق محمد بن علی بن الحسین، کربلا: مکتبه العتبه العباسیه المقدسه.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیه.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا)، تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس، لبنان: دارالکتب العلمیه.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، اختیار معرفه الرجال، تحقیق محمد طوسی و حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

محمد طیب، اسعد (۱۴۱۹ق)، مقدمه تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۸۶ش) میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه رسول جعفریان و علی قرایی، قم: نشر مورخ.

مردانی، محمد (۱۳۹۲ش) «مبانی و روش‌های بازیابی متون حدیثی کهن در سایه بازیابی کتاب زید بن وهب»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال یازدهم، شماره ۱، پیاپی ۲۱.

معارف، مجید و رضا قربانی زرین (۱۳۸۸ش)، «مشایخ اجازه در اسناد کافی»، علوم حدیث، شماره ۵۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.

مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الامالی، قم: کنگره شیخ مفید.
نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین بقم المشرفه.

نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: موسسه آل البيت.
نیل ساز، نصرت (۱۳۹۳ش)، «تبیین و ارزیابی نظریه سزگین درباره شناسایی و بازسازی منابع جوامع روایی»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۷، شماره ۲.

واسطی، احمد بن حسین (۱۳۶۴ش)، الرجال لابن الغضائری، قم: دارالحدیث.

Gordon Danell Newby (1989), *The Making of the Last Prophet: A Reconstruction of the Earliest Biography of Mohammad*, Columbia, S.C: University of South California Press

Bibliography:

A group of authors (1397), *New Approaches in Shia Hadith Research*, Tehran: Imam Sadiq University.

Aameli, Mohammad bin Ali Mousavi (1411 AH), *Madarek al-Ahkam fi Sharh Ebadat Sharaye al-Islam*, Beirut: Aal al-Bayt Institute.

Abu Hamzeh Somali, sabet bin Dinar (1420 AH), *Tafsir al-Qur'an al-Karim*, Beirut: Dar al-Mofid.

Aghaei, Seyyed Ali (1385), "Dating Hadiths Based on Asnad Analysis", *Sciences of Hadith*, No. 41.

- Allameh Helli, Hasan bin Yusuf bin Motahar (1411 AH), al-Rejal al-Allameh al-Hali, Najaf Ashraf: Dar al-Zhakhar, corrected by Mohammad Sadiq Bahr al-Uloom.
- Ash'ari Qomi, Ahmad bin Mohammad bin Isa (1408 AH), Al-Nawader, Qom: Imam Al-Mahdi School.
- Ayashi, Mohammad bin Masoud (1380), Tafsir al-Ayashi, Tehran: Scientific publications.
- Azami, Mohammad Mostafa (1413 AH), Studies in Prophetic Hadith and Edited History, Beirut: Al-Maktab al-Islami.
- Bahrani, Hashem bin Soleiman (1416 AH), al-Borhan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Be'that Foundation.
- Barqi, Ahmad bin Mohammad bin Khalid (1371 AH), Al-Mahasen, Qom: Dar al-Kotob al-Islamiya.
- Barqi, Ahmed bin Mohammad bin Khalid (1342), Ketab al-Rejal, Tehran: Tehran University Press.
- Bashir Yasin, Hekmat (1412 AH), al-Qavaed al-Manhajiyah fi al-Tanqib an al-Almafqud men al-Kotob va al-Ajza al-Torathiyah, Riyadh: Al-Mowayyed School.
- Bashir Yasin, Hekmat (1424 AH), Ketab al-Turath between al-Hawadeth and al-enbeath, Al-Damam: Dar bin al-Jowzi.
- Bayat Mokhtari, Mahdi (1390), "Conflict of the opinions of Sheikh Tusi and Najashi about Hariz bin Abdollah Sajestani", Approaches in Quran and Hadith Sciences, No. 87.
- Dohni, Moawiyah bin Ammar (1431 AH), Book of Hajj, extract: Mohammad Isa Al Mekbas, Tehran: Mashar.
- Emadi Haeri, Seyyed Mohammad (1388), Reconstruction of ancient Shia hadith texts: method, examples, analysis, Tehran: Library, Museum and Document Center of the Islamic Council.
- Ewadh Al-Heli, Abd al-Halim (1437 AH), What has reached us from Kitab Madinah Al-Elm for Sheikh Al-Saduq Mohammad Bin Ali Bin Al-Hossein, Karbala: Library and Manuscripts House of Al-atabah al-Abbasiyah al-Moqadasah.
- Firouzabadi, Mohammad bin Yaqub (No Date), Tanwir Al-Meqbas Men Tafsir Bin Abbas, Lebanon: Dar al-Ketab Al-Elmiyah.
- Gordon Danell Newby (1989), The Making of the Last Prophet: A Reconstruction of the Earliest Biography of Mohammad, Columbia, S.C: University of South California Press.
- Heli, Hasan bin Ali bin Dawood (1342), Ketab al-Rejal, Tehran: University of Tehran.

- Hemyari, Abdollah bin Jafar (1413 AH), Qorb al-Esnad, Qom: Aal al-Bayt Institute.
- Ibn Abbas, Abdollah (1412 AH), Tanwir Al-Meqbas Men Tafsir Ibn Abbas, Beirut: Dar al-Kotob al-Elmiya.
- Ibn Abi Hatam, Abd al-Rahman bin Mohammad (1419 AH), Tafsir al-Qur'an al-Azim, Riyadh: School of Nazar Mostafa al-Baz.
- Ibn Babyeih, Mohammad bin Ali (1362), Al-Khesal, Qom: Ja'me Modaresin.
- Ibn Babyeih, Mohammad bin Ali (1385), Elal al-Sharaye, Qom: Book Shop of Darvri.
- Ibn Babyeih, Mohammad bin Ali (1403 AH), Ma'aani al-Akhbar, Qom: Islamic Publications Office.
- Ibn Babyeih, Mohammad bin Ali (1406 AH), Savab al-A'mal va eqab al-A'mal, Qom: Dar al-Sharif al-Radhi Publishing House.
- Ibn Babyeih, Mohammad bin Ali (1413 AH), Ketab Man La Yahzoroh Al-Faqih, Qom: Islamic Publications Office.
- Ibn Babyeih, Mohammad bin Ali (1437 AH), What has reached us from Kitab Madinah Al-Elm for Sheikh Al-Saduq Mohammad Bin Ali Bin Al-Hosseini, collector: Abd al-Halim Ewadh Al-Heli, Karbala: Library and Manuscripts House of Al-atabah al-Abbasiyah al-Moqadasah.
- Ibn Babyeih, Mohammad bin Ali (1439 AH), Tafsir al-Qur'an al-Karim, collectors: Mahmoud Karimi and Mohsen Dimekar, Beirut: Dar al-Ma'aref al-Hekmiyah.
- Ibn Fahd Helli, Jamal al-Din Ahmad bin Mohammad Asadi (1407 AH), al-Mohadzab al-Bare' fi Sharh Al-Mokhtasar al-Nafe, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Theological Seminary Society.
- Ibn Hammam Eskafi, Mohammad bin Hammam bin Soheil, (1404 AH), Al-Tamhis, Qom: Madrasa al-Imam al-Mahdi.
- Ibn Hayyun, Noman bin Mohammad al-Maghrebi (1428 AH), Al-Idhah, Beirut: Al-Alami Press Institute.
- Ibn Idris, Mohammad bin Ahmad (1410 AH), al-Sara'er al-Havi Le Tahrir al-Fatavi (Val-Mustatrafaat), Qom: Islamic Publications Office.
- Ibn Qulewayh, Jafar bin Mohammad, (1356 AH), Kamel al-Ziyarat, Najaf: Dar al-Mortazawiyah.
- Ibn Shobe Harrani, Hasan bin Ali (1404 AH), Tohaf al-oqul, Qom: Ja'me Modaresin.
- Ibn Tawus, Ali bin Musa (1406 AH), Falah Al-Saeel and Najah Al-Masael, Qom: Bostan Ketab.
- Jafarian, Rasul (1379), "Research cases and restoration of missing texts", Ayane Pajuhesh, No. 63.

- Kashi, Mohammad bin Omar (1409 AH), Ekhtiar Ma'raf al-Rejal, Mashhad: Publishing House of Mashhad University, Researched by Mohammad Tousi/Hassan Mostafavi.
- Khoei, Abu al-Qasem (1413 AH), Mojam Rejal al-Hadith and description of Tabaqat al-Rowah, No where, No publisher.
- Khomeini, Ruhollah (1384), Al-Khellal fi al-Salah, Tehran: Institute for Editing and Publishing the Works of Imam Khomeini.
- Koleini, Mohammad bin Yaqub (1407 AH), al-Kafi, Tehran: Dar al-Kotob al-eslamiya.
- Maaref, Majid and Reza Qorbani Zarrin, (1388), Mashayekh Ejaze in Asnad Kafi, Olum Hadith, No. 50.
- Majlesi, Mohammad Baqer, (1403 AH), Behar al-Anwar al-Jameah ledorare Akhbar al-aemmah al-Athar, Beirut: Dar ehya al-Torath al-Arabi.
- Mardani, Mohammad, (1392), Basics and methods of retrieving old hadith texts in the shadow of retrieving the book of Zayd bin Wahab, Quran and Hadith sciences researches, No. 21.
- Modarresi Tabatabaee, Hossein, (1386), Shia written heritage from the first three centuries of Hijri, translated by Rasool Jafarian and Ali Qaraei, Qom: Hisorish Publishing House.
- Mofid, Mohammad bin Mohammad, (1413 AH), Al-Amali, Qom: Shekh Mofid Congress.
- Mofid, Mohammad bin Mohammad, (1413 AH), Al-Ekhtesas, Qom: Shekh Mofid Congress.
- Mohammad Tayyeb, Asad (1419 AH), Introduction to Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Riyadh: Nizar Mustafa Al-Baz School.
- Najashi, Ahmad bin Ali, (1365), Rejal al-Najashi, Qom: Al-Nashr al-Eslami Institute.
- Nilsaz, Nosrat, (1393), Explanation and evaluation of Sezgin's theory about identifying and reconstructing sources of javame hadiths, Quran and Hadith researches, No. 2.
- Nuri, Hossein, (1408 AH), Mostadrak al-Vasael va Mostanbet al-Masael, Qom: Aal al-Beit Institute.
- Pahlwan, Mansour and Taremi Rad, Hassan and Soheili, Mohammad Hossein, (1396), "Reconstruction of the Book of Hajj by Mu'awiya Bin Ammar and Evaluation of its Narrative Methods with an Emphasis on Hadiths of Ziarat", Qur'an and Hadith Researches, Year 50, No. 1.
- Paktachi, Ahmad (1380), "The Method of Recognizing Ancient Hadith Texts", Payam Sadegh, Year 6, No. 36.
- Qomi, Ali bin Ebrahim (1363), Tafsir al-Qomi, Qom: Dar al-Ketab.

- Rabbani Sabzevari, Abolhasan (1379), "Hariz bin Abdullah Sajestani, a model of religious zeal", Farhang Kausar, No. 47.
- Rad, Ali and Hosseini, Alireza and Jamali, Marzieh (1392), "Recovery of Hadiths of "Al-Tafseer" by Ali Bin Abi Hamzah Bataeni", Hadith Andisheh, No. 16.
- Rahmati, Mohammad Kazem (1393), "Hariz bin Abdullah Sajestani", Encyclopaedia of the Islamic World, Vol. 13.
- Sezgin, Foad, (1380), History of Arabic Writings, Tehran: Ministry of Culture and Guidance Printing and Publishing Organization.
- Sheikh Baha'i, Mohammad bin Hossein (1429 AH), Mashreq al-Shamsein and Exir al-Saadatain, Mashhad: Majma al-bohuth al-Islamiya.
- Shobeiri, Mohammad Javad (1388), "Nomani Sources in Qeibat", translated and edited by Seyyed Mohammad Emadi Haeri in the reconstruction of ancient Shia hadith texts, Qom: Dar al-Hadith.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372), Majma al-Bayan in Tafsir al-Qur'an, Tehran: Naser Khosrow Publications.
- Tusi, Mohammad bin al-Hassan, (1373), Rejal al-Tusi, Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House.
- Tusi, Mohammad bin al-Hassan, (1390 AH), Al-Estebzar Fima Okhtelefa Men Al-Akhbar, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
- Tusi, Mohammad bin al-Hassan, (1407 AH), Tahdhib al-Ahkam, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya.
- Tusi, Mohammad bin al-Hassan, (1411 AH), Mesbah al-Motahjed and Selah al-Motabed, Beirut: Shia Fiqh Foundation.
- Tusi, Mohammad bin al-Hassan, (1414 AH), al-Amali, Qom: Dar al-Thaqafa for printing and distribution.
- Tusi, Mohammad bin al-Hassan, (1420 AH), list of books of the Shia and their Osuls and the names of the writers and the owners of the Osuls, Qom: Tabatabai Researcher's Library.
- Vaseti, Ahmad bin Hossein, (1364), Al-Rejal, Qom: Dar al-Hadith.